



تفکر در باره روح انسان

مؤسسه روحی



کتاب ۱

تفکر در باره روح انسان

مؤسسه روحی

مجموعه کتاب‌های روحی:

عناوین کنونی مجموعه کتب طراحی شده توسط مؤسسه روحی ذیلاً آمده است. این کتاب‌ها قرار است به عنوان تسلسل اصلی دوره‌های درسی در تلاش سیستماتیکی به منظور تقویت قابلیت جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جوامع خود به کار روند. مؤسسه روحی همچنین در حال تهیه مجموعه دوره‌هایی منشعب از کتاب سوم مجموعه جهت آموزش معلمان کلاس‌های کودکان بهائی و مجموعه دیگری منشعب از کتاب پنجم جهت پرورش مشوقین گروه‌های نوجوانان است. در فهرست زیر به این مجموعه‌ها نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است که با کسب تجربه بیشتر در میدان عمل، فهرست ممکن است دستخوش تغییر شود. علاوه بر این، همچنان که بعضی عناصر درسی در دست تهیه به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توان در سطح وسیع در دسترس قرار داد، عناوین جدیدی به این فهرست اضافه خواهد شد.

کتاب اول	تفکر درباره روح انسان
کتاب دوم	قیام به خدمت
کتاب سوم	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۱
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۲ (دوره منشعب)
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۳ (دوره منشعب)
	تعلیم کلاس‌های کودکان، سال ۴ (دوره منشعب)
کتاب چهارم	دو مظهر ظهور الهی
کتاب پنجم	شکوفای ساختن قوای نوجوانان
	انگیزه نخستین: دوره اول منشعب از کتاب ۵
	حلقه دائم‌التزاید: دوره دوم منشعب از کتاب ۵
کتاب ششم	خدمت در میدان تبلیغ
کتاب هفتم	همراهی در مسیر خدمت
کتاب هشتم	عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله
کتاب نهم	کسب دیدگاهی تاریخی
کتاب دهم	ایجاد جوامعی پویا
کتاب یازدهم	اسباب مادی
کتاب دوازدهم	(به زودی)
کتاب سیزدهم	مشارکت در اقدام اجتماعی
کتاب چهاردهم	(به زودی)

Copyright © 1999, 2020 by the Ruhi Foundation, Colombia
All rights reserved. Edition 1.1.1.PE published 1999
Edition 4.1.1.PE.PV (provisional translation) December 2020
ISBN 978-958-52941-1-0

Originally published in Spanish as *Reflexiones sobre la vida del espíritu*
Copyright © 1987, 1995, 2008, 2020 by the Ruhi Foundation, Colombia
ISBN 978-958-59880-3-3

Ruhi Institute
Cali, Colombia
Email: instituto@ruhi.org
Website: www.ruhi.org

حق چاپ © ۱۹۹۹، ۲۰۲۰ بنیاد روحی، کلمبیا

کلیه حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۱.۱.PE منتشر شده ۱۹۹۹

نسخه ۴.۱.۱.PE.PV (ترجمه مقدماتی) دسامبر ۲۰۲۰

ISBN 978-958-52941-1-0

در اصل به زبان اسپانیایی تحت عنوان *Reflexiones sobre la vida del espíritu* منتشر شد.

حق چاپ © ۱۹۸۷، ۱۹۹۵، ۲۰۰۷، ۲۰۲۰ توسط بنیاد روحی، کلمبیا

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (ISBN): 978-958-59880-3-3

مؤسسه روحی

کالی، کلمبیا

ایمیل: instituto@ruhi.org

تارنما: www.ruhi.org

فهرست

۷	افکاری برای راهنما
۱	فهم آثار بهائی
۱۷	دعا و مناجات
۳۷	زندگی و مرگ

افکاری برای راهنما

مطالعه کتاب تفکر درباره روح انسان، یعنی اولین کتاب از تسلسل اصلی دروس مؤسسه روحی، سالهاست که در سرتاسر عالم به به نقاط بیشتری گسترش یافته است. در اکثریت وسیعی از موارد، گروهی از دوستان با یکدیگر این محتوا را مطالعه و درباره آن گفتگو می کنند. چنین گروهی ممکن است اعضای یک حلقه مطالعه باشند که جلساتی مرتب دارد، یا ممکن است در کمپنی برای مطالعه فشرده گرد هم آمده باشند، و یا شاید در تعطیلات مدارس در یک اردو جمع شده باشند. به هر شکل که باشد، یکی از اعضای گروه به عنوان راهنما عمل می کند. رابطه بین راهنما و دیگر شرکت کنندگان رابطه معلم با شاگرد نیست. همه آگاهانه در فرایندی مشارکت دارند که تمامی شرکت کنندگان آن جویای یادگیری هستند. اما راهنما تسهیل گر کناره نشین و منفعل صحبت ها نیز نیست. او تعداد کافی از دوره های تسلسل دروس را گذرانده و خدماتی را که در آنها تشویق می شود انجام داده است و بنابراین می تواند هر عضو گروه را در دستیابی به هدف مواد درسی مورد مطالعه مساعدت کند. ممکن است برای کسانی که به عنوان راهنمای کتاب ۱ عمل می کنند مفید باشد که ایده های مندرج در این مقدمه را هر چند وقت یک بار مرور کنند.

شرکت کنندگانی در سرتاسر جهان با پیشینه های متنوع وارد این دوره نخست از دروس مؤسسه می شوند. بعضی از آنها اعضای جامعه بهائی هستند که امیدوارند قابلیت خود را برای خدمت به امر مبارکی که پذیرفته اند، تقویت کنند. برخی دیگر این دوره را آغازی برای تفحص خود در آئین بهائی به عنوان یک دین می بینند. بعضی دیگر مجذوب آرمان های بهائی هستند و مایلند خود را با اهداف و مجهودات جامعه آشنا کنند. همچنین به طور خاص تعداد فزاینده ای از جوانان هستند که می خواهند اغلب از طریق مشارکت در یکی از برنامه هایی که جامعه بهائی ترویج می دهد، قابلیت خود برای خدمت به اجتماع را پرورش دهند؛ آنها نیز به عنوان یک گام اولیه، این درس را می گذرانند.

از آغاز، باید برای همه شرکت کنندگان واضح باشد که دوره های مؤسسه روحی مسیری از خدمت به بشریت را دنبال می کنند. هر یک از ما در این مسیر با سرعت خود گام برمی داریم، دیگران را یاری و از آنها مساعدت دریافت می کنیم. پیمودن این مسیر به طور ضمنی بر دنبال کردن یک هدف اخلاقی دوجانبه دلالت دارد: رسیدگی به رشد روحانی و فکری خود و مشارکت در تحول اجتماع. پیشرفت در این مسیر مستلزم پرورش تعدادی قابلیت است، قابلیت هایی که نیازمند فهم و دانش، صفات روحانی، نگرش های پسندیده و مجموعه ای از توانایی ها و مهارت ها هستند. منابع دانشی که کتب مؤسسه از آنها بهره می برد از یک سو، تعالیم دیانت بهائی

و از سوی دیگر، تجربه انباشته جامعه جهانی بهائی در پیشبرد تمدن مادی و روحانی است. آنچه الهام‌بخش مؤسسه است دورنمایی است که حضرت بهاءالله از فرد و تمدن ارائه می‌فرمایند، فردی که ما می‌توانیم به آن تبدیل شویم و تمدنی که می‌توانیم بنا کنیم. فرض بر آن است که همه شرکت‌کنندگان، صرف نظر از پیشینه خود، با ذهنی باز پذیرش این دورنما را مد نظر قرار می‌دهند و این بینش حضرت بهاءالله در تک تک واحدهای کلیه کتب به صراحت مشخص است.

در دنیایی که ایدئولوژی‌ها و کیش‌ها مایلند از هر ابزار ممکن برای جذب هواداران بیشتر استفاده کنند، افراد ناآشنا با امر بهائی ممکن است سؤالاتی خالصانه در باره مقاصد مؤسسه روحی داشته باشند، مخصوصاً این که «آیا در اینجا از من انتظار می‌رود دین خود را تغییر دهم؟» یا «آیا در اینجا از من انتظار می‌رود به دینی بپیوندم؟» چنین سؤالاتی این فرصت را به راهنما می‌دهد که هدف تسلسل دوره‌ها را آن‌طور که به اجمال در بالا آمد توضیح دهد. راهنما ممکن است بخواهد این نکته را نیز اضافه کند که هر چند بهائیان طبیعتاً مشتاقند که شاهد پیوستن دوستان خود به جامعه باشند، اما تعالیم همین دیانت آنها را از تلاش تحمیل‌گرانه برای آن که دیگران را به دین خود درآورند منع می‌کند. گام برداشتن در مسیر خدمتی که دوره‌های مؤسسه به روی ما گشوده، مشوق فهمی در حال تعمیق از تعالیم حضرت بهاءالله است و موادّ درسی مؤسسه این موضوع را بی‌پرده‌پوشی ابراز می‌کنند. اما پذیرش و ایمان مسائلی هستند که هر فرد باید آزادانه و بدون فشار مورد تعمق قرار دهد.

پس جای تعجب نیست که اولین دوره با مسئله فهم که در تمام کتب این تسلسل نقش بسیار محوری دارد آغاز می‌شود. خواندن آثار مقدسه همانند خواندن هزاران صفحه‌ای نیست که فرد در طول حیات خود با آنها مواجه می‌شود. واحد «فهم آثار بهائی» درصدد آن است که عادت خواندن نصوصی از متون مقدسه در هر روز و تعمق بر معنای آنها را پرورش دهد و همچنان که شرکت‌کنندگان پیمودن مسیر خدمت را آغاز می‌کنند، این عادت کمک بسیاری به آنها خواهد کرد. راهنما به منظور هدایت آنها در مطالعه این واحد، باید در باره موضوع فهم بسیار بیندیشد.

آثار مبارکه بهائی حاوی حقایق روحانی عمیقی هستند و در عین حال که می‌کشیم در فهم معنای نامحدود آنها به پیش رویم، می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم به پایان قطعی و نهایی این کار برسیم. هنگام خواندن نص برای بار اول، عموماً درکی پایه‌ای از معنای مستقیم آن کسب می‌کنیم و بخش اول از واحد اول همین کار را به عنوان آغازگاه در نظر می‌گیرد. بنا بر این، پس از خواندن نص «اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده»، از شرکت‌کنندگان این سؤال ساده پرسیده می‌شود که «چطور می‌توان به اصلاح عالم دست یافت؟» در یک نگاه، اکثر این نوع پرسش‌ها و تمرینات بیش از حد ساده به نظر می‌رسند. اما به نظر می‌رسد کسب سال‌ها تجربه مؤید تصمیم مؤسسه در انتخاب این شیوه برای آغاز کار است. لازم است همه

متذکر باشیم که مبدا ذهن ما، در جستجوی شتابزده برای یافتن لایه‌های حقیقتِ مندرج در یک بیان، از معنای بدیهی نص غافل شود. توجه به این سطحِ اولِ درک برای مشورت گروهی نیز حیاتی است و وحدت فکر را تقویت می‌کند؛ وقتی نظرات شخصی اجازه یابند که در پرتو حکمت الهی قرار گیرند، وحدت فکر به راحتی قابل حصول است.

باید در اینجا اشاره کرد که بحث طولانی درباره کلمات منفرد خارج از بستر متن، به فهم معنای مستقیم اکثر نصوص کمکی نمی‌کند. در عین حال، ممکن است گاه ضروری باشد که گروه، کلمه‌ای را در لغت‌نامه پیدا کنند. اما احتمالاً مفیدتر خواهد بود که شرکت‌کنندگان یاد بگیرند چطور معانی کلمات را از کل جملات و بندها استنباط کنند.

برای آن که فهم ما از وادی ادراک معنای مستقیم نصوص گذر کند، مثال‌هایی که نشان می‌دهند چطور ایده‌ها عینیت می‌یابند احتمالاً مفید خواهد بود. آنچه لازم است فقط تمریناتی مشخص و ساده است. به عنوان مثال، در بخش دوم از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود در پرتو بیانی که خوانده‌اند، مرضیه بودن یا نبودن برخی صفات را تعیین کنند. در تمرین مشابهی در بخش چهارم، تشویق می‌شوند که پنج فضیلت را نام ببرند و سپس تعیین کنند آیا در نبود صدق و راستی که در آثار مبارکه «اساس جمیع فضائل انسانی» توصیف شده کسب این فضائل ممکن است یا خیر.

برای وصول به هدف این واحد، گام دیگری در پیشرفت فهم باید برداشته شود. به این منظور این واحد با دعوت به تفکر درباره دلالات ضمنی نصوص ارائه شده، شرکت‌کنندگان را به چالش می‌کشد. مثلاً در بخش دوم، از آنها خواسته می‌شود تعیین کنند که آیا گزاره «تعداد افراد خوب در جهان آن قدر کم است که اقدامات آنها هیچ تأثیری ندارد» درست است یا خیر. در اینجا هدف تنها شنیدن نظرات شخصی افراد نیست. راهنما باید توقف کند و دلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را جویا شود. این که این گزاره به دلیل تناقض با نص اول از بخش پیشین ضرورتاً باید غلط باشد، نتیجه‌ای است که گروه احتمالاً به آن خواهد رسید. پرسش از این که آیا بهائیان می‌توانند نزد دیگران به گناهان خود اعتراف کنند نیز مثالی از این نوع تمرین است و به منع اعتراف در تعالیم مبارکه به عنوان شیوه‌ای برای آموزش گناه اشاره دارد. با اینکه این موضوع در هیچ یک از نصوص مورد مطالعه به صراحت ذکر نشده، با کاوش در معنای این آیه می‌توان آن را استنباط کرد: «حاسب نفسک فی کل یوم من قبل ان تُحاسب» (مضمون: قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود هر روز خود را مورد محاسبه قرار بده).

تمرینات این واحد به هیچ وجه سعی ندارند تمامی گستره معانی مندرج در بیانات مورد بحث را در بر گیرند. یکی از سؤالاتی که هر راهنما باید درباره اش بیندیشد آن است که در باره هر تمرین چقدر باید گفتگو

کرد. در اینجا مهم است به یاد داشته باشیم که طولانی کردن مشاورات با طرح تعداد زیادی مفاهیم مرتبط اما جانبی اغلب از اثرگذاری مواد آموزشی می‌کاهد. لازم است هر گروه ضرباهنگ رشد معقولی را برقرار کند؛ شرکت‌کنندگان باید مشخصاً احساس کنند که مطابق با امکانات خودشان به طور مستمر پیشرفت می‌کنند. اما راهنما باید دقت داشته باشد که مبادا بدون تجزیه و تحلیل فکورانه تمرینات، به سرعت و سطحی نگرانه از بخش‌ها گذر کنند؛ گروه‌هایی که به این شکل به پیش رفته‌اند و صرفاً قسمت پاسخ‌ها را تکمیل کرده‌اند، هرگز به نتایج ماندگاری دست نیافته‌اند.

یک نکته در پایان شایان ذکر است: راهنما می‌باید اطمینان حاصل کند که در فرایند یادگیری ناشی از مواد آموزشی، تک تک اعضای گروه شرکت دارند. جلب مشارکت بی‌آنکه افراد برای صحبت تحت فشار قرار گیرند، اغلب چالش‌برانگیز است. آنچه باید از ابتدا درک کنیم آن است که این چالش به ندرت با پرسیدن سؤالاتی مانند «شما از این نکته چه برداشتی دارید؟» حل می‌شود. پرسش‌هایی از این دست اغلب دانش و حقیقت را به سطح آراء شخصی تقلیل می‌دهند. و آنگاه ایجاد فضایی که در آن مشورت میان اعضای گروه به واقع به افزایش فهم انجامد دشوار خواهد بود.

واحد دوم کتاب مانند واحد اول به یکی از عاداتی می‌پردازد که برای حیات روحانی ضروری است: دعا و مناجات منظم. بخش اول این واحد مفهوم «مسیر خدمت» را به تصریح بیان و اشاره می‌کند که به منظور پیمودن این مسیر، باید سرشار از هدفی دوجانبه باشیم. شرکت‌کنندگان ابتدا مجموعه‌ای از نصوص بینش‌بخش در باره ماهیت این هدف را بررسی می‌کنند. دروس آینده تسلسل اصلی این موضوع را با تفصیل بیشتری مطرح خواهند کرد.

واحد دوم در بستر همین موضوع به کاوش در اهمیت دعا و مناجات می‌پردازد. رویکرد این قسمت مشابه با رویکردی است که در بندهای قبل توصیف شد. پرسش‌ها و تمریناتی تنظیم شده‌اند تا باعث افزایش فهم از معنای نصوص مورد مطالعه شوند. همچنان که گروه در این واحد به پیش می‌رود، ممکن است لازم باشد راهنما با تجزیه و تحلیل تصوّراتی که ریشه در تفاسیر و رویه‌های گذشته دارند تردیدها را زائل کند. در برخی سنت‌ها، مناسک و ظواهر به تدریج اهمیت حالت درونی افراد را تحت الشعاع قرار داده‌اند و بسیاری نفوس ضرورت دعا و مناجات را نادیده می‌گیرند، در حالی که ضرورت آن برای روح انسان دست کمی از لزوم غذا برای بدن ندارد.

بیش از هر چیز، مقصود از این واحد آن است که شوق «مکالمه با خداوند» و نزدیک شدن به او در شرکت‌کنندگان بیدار شود. از جمله افکاری که به آنها پرداخته شده این موارد است: وارد شدن به حالت دعا به چه معناست، هنگام دعا و مناجات قلب و ذهن ما در چه وضعیتی هستند، چه شرایطی باید پیرامون‌مان ایجاد

شود، و نیز این موضوع که هنگام دعا تنها هستیم یا در جمع. در واقع، بعد از کمی تفکر در باره نیروهای ناشی از عبادت جمعی، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود مبادرت به میزبانی یک جلسه دعا و نیایش را در نظر بگیرند.

امید است مطالعه واحد سوم کتاب، یعنی «زندگی و مرگ»، تعهد به گام برداشتن در مسیر خدمت را تقویت کند و معنای عمیق‌تری به آن ببخشد. خدمت در این عالم را در بستر کامل‌ترین معنای زندگی می‌توان فهمید، بستری که از وجود زمینی ما فراتر است و با ترقی روح ما در عوالم الهی برای همیشه ادامه می‌یابد. در یک فرایند تعلیم و تربیت، برخلاف آموزش‌های فنی، شرکت‌کنندگان باید به نحوی فزاینده از معنا و اهمیت آنچه انجام می‌دهند آگاه شوند. تجربه نشان می‌دهد که تنها با رشد این آگاهی از معنای کار خویشتن است که «مالکیت» فعال و مسئولانه یادگیری‌شان را متعلق به خود خواهند دانست.

هر بخش از این واحد با یک تا سه نص از آثار بهائی آغاز می‌شود و با چند تمرین ادامه می‌یابد. زبان نصوصی که در این واحد نقل شده‌اند سنگین‌تر از دو واحد قبلی است. البته نیازی نیست که گروه روی کلمات دشوار زمان زیادی صرف کند؛ مقصد راهنما حصول اطمینان از آن است که همه، ایده اصلی که در هر بخش به آن پرداخته شده را درک می‌کنند و این دقیقاً همان مقصدی است که تمرینات هم سعی در تحقق آن دارند.

با توجه به ماهیت موضوع این بخش، تمریناتی که مثال‌های عینی در بر دارند، کم و پراکنده‌اند. کارکرد اکثر این تمرینات در سطح مفهومی است. آنچه لازم به ذکر است آن که برخی سؤالات مطرح شده در تمرینات را به سرعت یا با قطعیت نمی‌توان پاسخ داد. چنین پرسش‌هایی مطرح شده‌اند تا آگاهی نسبت به موضوع را افزایش دهند. اگر شرکت‌کنندگان در باره چنین سؤالاتی فقط فکر کنند، یادگیری مورد نظر تحقق یافته است.

چند بخش اول بر رابطه بین روح و بدن تمرکز دارند که با هم هستی انسان را در این عرصه وجود تشکیل می‌دهند. ایده اصلی که در این بخش‌ها ارائه شده آن است که روح یک موجود فیزیکی نیست. رابطه آن با بدن را می‌توان به نوری که در آینه ظاهر می‌شود تشبیه کرد. نه گرد و غباری که سطح آینه را پوشانده از فروغ نور می‌کاهد و نه سرانجام، از میان رفتنش. مرگ تنها یک تغییر حالت است، وقتی تعلق بین بدن و روح از بین می‌رود. پس از مرگ، روح تا ابد پیشرفت می‌کند و به سوی خالق خود می‌رود.

واحد سوم پس از آن به مسئله هدف از زندگی، یعنی عرفان الهی و لقاء او، می‌پردازد. صحبت در اینجا حول دو موضوع گسترده انجام می‌شود. اولی هدف حیات ما در این عالم و دومی سفر روح پس از مرگ است. روح آیت الهی است و می‌تواند جمیع اسما و صفات او را منعکس سازد. اما قوای بالقوه وجود انسان در هستی او مکنون است و تنها با کمک مظاهر ظهور الهی، یعنی آن وجودات مقدسی که هر چند وقت یک بار

برای هدایت بشر می‌آیند، می‌تواند پرورش یابد. کنوز مخفی در ما می‌تواند از طریق تعلیم و تربیت روحانی که ایشان فراهم می‌آورند ظاهر شود.

در مورد سفر روح پس از مرگ، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها ارائه شده تا شرکت‌کنندگان در باره آنها تعمق نمایند: این که مؤمنان به خدا به سعادت حقیقی دست خواهند یافت؛ این که هیچ یک از ما هرگز نمی‌تواند سرانجام خود را بداند و بنا بر این باید یکدیگر را ببخشیم و نسبت به دیگران احساس برتری نکنیم؛ این که در عالم بعد، مانند این عالم، روح به ترقی خود ادامه خواهد داد و حواس روحانی که در اینجا در خود پرورش دادیم در آنجا ما را مساعدت و یاری خواهند نمود؛ این که در عوالم ماورا عزیزان خود را خواهیم شناخت و زندگی خود در این دنیا را به یاد خواهیم داشت و از مصاحبت نفوس مقدسه بهره خواهیم برد.

این واحد با بیانی از آثار حضرت بهاءالله پایان می‌یابد که در آن ما را به مواهب عالم بعد اطمینان می‌دهند و نصیحت می‌فرمایند که نگذاریم حوادث این زندگی ما را غمناک کند. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود در باره دلالت‌های ضمنی مطالب مطالعه‌شده بر زندگی خود تأمل کنند.



فهم آثار بهائی

هدف

تقویت عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز
و تأمل در باره معنای آنها

بخش اول

هدف از این واحد کمک به شماست تا عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز و تأمل در باره معنای آنها را در خود ایجاد و تقویت کنید. این واحد با تمرین ساده‌ای شروع می‌شود که از شما می‌خواهد یک گزاره یک جمله‌ای از آثار مبارکه را بخوانید و به سؤالی که این گزاره پاسخ آن است جواب دهید. گرچه انجام این تمرین آسان است، اما به شما کمک خواهد کرد در باره معنای گزاره‌های نقل شده تأمل کنید و آنها را از بر نمایید.

«اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده»^۱.

۱. اصلاح عالم چگونه حاصل می‌شود؟

«یا ملاً البهء لا تکنونوا بمثل الذین یقولون ما لا یفعلونه فی انفسهم»^۲.

مضمون: ای اهل بهاء مانند کسانی نباشید که می‌گویند آنچه خودشان نمی‌کنند.

۲. مانند چه کسانی نباید باشیم؟

«یا ابن الوجود، حاسب نفسک فی کلّ یوم من قبل ان تُحاسب»^۳.

مضمون: ای پسر وجود، قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود، هر روز، خود را مورد محاسبه قرار بده.

۳. قبل از این که به حساب من رسیدگی شود، باید چه کنیم؟

«بگوای برادران به اعمال خود را بیارید نه به اقوال».

۴. به چه چیز باید خود را بیاریم؟

«کلمه طیبه و اعمال طاهره مقدسه بسماء عزّ احدیه صعود نماید».

۵. کلمه طیبه و اعمال طاهره مقدسه چه می شوند؟

بخش دوم

در زیر، تمرین‌هایی در ارتباط با نصوصی که مطالعه کردید آمده است. این تمرین‌ها را نباید به صورت مکانیکی انجام داد؛ مقصد از آنها کمک به گروه شماست تا درباره اهمیت این نصوص در گروه خود بیشتر تأمل کنید. منظور این نیست که هر تمرین نیازمند گفتگوی بسیار است، اما وقتی تمرین چالش برانگیز است، راهنمای گروه به شما کمک خواهد کرد که آن را کاملاً کاوش کنید.

۱. وقتی چیزی «مرضیه» است، پسندیده و ستودنی می‌باشد. کدام یک از موارد زیر مرضیه است؟

_____ کارگر خوبی بودن

_____ به دیگران احترام گذاشتن

_____ درس خوان بودن

_____ دروغگو بودن

_____ تنبل بودن

_____ به دیگران خدمت کردن

۲. «من قبل ان تحاسب» (مضمون: قبل از این که به حساب تو رسیدگی شود) یعنی چه؟ _____

۳. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

_____ تعداد افراد خوب در جهان آن قدر کم است که اقدامات آنها هیچ تأثیری ندارد.

_____ وقتی چیزی موافق نظرات دیگران باشد درست است.

_____ وقتی چیزی موافق تعالیم الهی باشد درست است.

۴. کدام یک از موارد زیر اعمال طاهره مقدسه است؟

_____ مراقبت از کودکان و تدریس به آنها

_____ دزدی

_____ دعا جهت ترقی دیگران

_____ گفتن دروغی کوچک جهت خلاصی از دردسر

_____ کمک به دیگران و انتظار پاداش

۵. در کدام یک از موقعیت‌های زیر، قول فرد با عمل او متفاوت است؟

_____ فردی مدام تکرار می‌کند که همه ما باید متحد باشیم، اما به نحوی رفتار می‌کند که تضاد و تعارض ایجاد می‌کند.

_____ فردی ارزش زندگی عقیف داشتن را می‌ستاید، اما روابط جنسی خارج از ازدواج دارد.

_____ فردی با اینکه ادعای پیروی از دینی را دارد که نوشیدن الکل در آن منع شده، گاه الکل می‌نوشد.

_____ فردی از برابری مردان و زنان دفاع می‌کند، اما به عنوان کارفرما، برای کار یکسان، به زنان کمتر از مردان دستمزد می‌پردازد.

۶. آیا مجاز است که یک بهائی نزد فردی دیگر به گناه خود اعتراف کند؟ _____

۷. به جای اقرار به گناه چه باید انجام دهد؟

۸. عبارت «سما عَزَّ اَحَدِيَه» به چه معنا است؟

۹. اعمال بد چه تأثیری بر جهان دارد؟

۱۰. اعمال بد چه تأثیری بر کسانی که آنها را مرتکب می‌شوند دارد؟

بخش سوم

حال نصوص زیر را بخوانید و دربارهٔ آنها تأمل کنید. سپس سعی کنید آنها را از بر کنید.

«صدق و راستی اساس جميع فضائل انسانی است.»^۶

۱. اساس جميع فضائل انسانی چیست؟

«اگر نفسی از آن [صدق و راستی] محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیهٔ عوالم الهی ممنوع گردد.»^۷

۲. اگر نفسی از آن محروم ماند چه چیز غیر ممکن است؟

«قل یا قوم زینوا لسانکم بالصدق و نفوسکم بالأمانة.»^۸

مضمون: بگوای مردم، زبان‌تان را به راستی و نفس‌تان را به امانت آراسته سازید.

۳. به چه چیز باید زبان خود را زینت دهیم؟

۴. به چه چیز باید نفس خود را آراسته نماییم؟

«كونوا في الطرف عفيفاً وفي اليد اميناً وفي اللسان صادقاً وفي القلب متذكراً».

مضمون: در نگاه پرهیزگار باشید، در دست امین، در زبان راستگو و در قلب متذکر.

۵. نگاه ما باید چگونه باشد؟ دست مان چگونه؟
زبان مان چگونه؟ و قلب مان چگونه؟

«قسم بآفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود نفسیکه فی الحقیقه بملکوت ایمان ارتقا جسته ابدان توجه ننماید تا چه رسد بأخذ آن.»

۶. اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود، باید از چه کاری خودداری کنیم؟

بخش چهارم

همان‌طور که احتمالاً در بخش دوم متوجه شدید، برخی از تمرینات این واحد پاسخ‌هایی قطعی می‌طلبند. در چنین مواردی، اگر در باره پاسخ تردیدی وجود داشته باشد، راهنمای گروه شما می‌تواند به شما و سایر شرکت‌کنندگان گروه‌تان برای رسیدن به وحدت فکر کمک کند. در مورد تمریناتی دیگر، گفتگو خود ارزشمند است و هیچ پاسخ یگانه و خاصی مورد انتظار نیست. در زیر، تمرین ۳ از نوع اول است، و تمرین ۶ از دسته دوم محسوب می‌شود.

۱. صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است. پنج فضیلت ذکر کنید.

۲. آیا بدون صدق و راستی می‌توانیم این فضائل را کسب کنیم؟

۳. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

- _____ یک فرد می‌تواند عادل باشد حتی اگر دروغ بگوید.
- _____ شخصی که دزدی می‌کند دست‌امینی دارد.
- _____ دست‌امین هیچ‌گاه به آنچه به او تعلق ندارد دراز نمی‌شود.
- _____ نگاه کردن به محتوای محرک احساسات جنسی خلاف نصیحت حضرت بهاء‌الله در خصوص عقیف بودن در نگاه است.
- _____ صدق و راستی یعنی دروغ نگفتن.
- _____ امانت زینت روح است.
- _____ شخصی که صادق و راستگو نباشد می‌تواند از نظر روحانی پیشرفت کند.
- _____ مانعی ندارد اگر گناه دروغ بگوییم.
- _____ در صورتی که انسان گرسنه باشد، دزدی نزد خداوند پذیرفته است.
- _____ برداشتن چیزی بدون اجازهٔ صاحب آن، با این فکر که بعداً آن را باز خواهیم گرداند، دزدی محسوب نمی‌شود.
- _____ وقتی درستکارانه عمل می‌کنیم و امین و صادق هستیم، قلب‌مان متدگر است.
- _____ بدون اندکی تقلّب، رونق بخشیدن به یک کسب و کار امکان‌پذیر نیست.

۴. آیا ممکن است انسان به خود دروغ گوید؟ _____

۵. وقتی دروغ بگوییم چه چیزی را از دست می‌دهیم؟ _____

۶. اگر همهٔ ما صادق و امین بودیم جهان چگونه می‌شد؟ _____

بخش پنجم

نصوص زیر را بخوانید و سعی کنید آنها را از بر کنید. از بر کردن نصوصی از آثار مبارکه بسیار مفید و مسرّت‌بخش است و باید در این مورد نهایت تلاش خود را مبذول دارید. البتّه از بر کردن نصوص برای همه راحت نیست. اما همین که تلاش خود را بکنیم، کمک می‌کند که اندیشه‌ها بر قلب و ذهن مان نقش بندد و بتوانیم آنها را با کلماتی که تا حدّ ممکن به متن اصلی نزدیک هستند بیان کنیم.

«لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و بمثابة معانیست از برای الفاظ و مانند افق است

از برای اشراق آفتاب حکمت و دانایی».^{۱۱}

۱. لسان شفقت را چطور می‌توان توصیف نمود؟

۲. لسان شفقت چه تأثیری بر الفاظ دارد؟

«ای احبّای الهی، در این دور مقدّس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدّی محروم».^{۱۲}

۳. طبق نصّ بالا، چه چیزی در این دور ممنوع است؟

۴. شخص متعدّی با خود چه می‌کند؟

«حق شاهد و گواه است که ضرّی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و

برودت مابین احباب نبوده و نیست».^{۱۳}

۵. چه شرایطی اعظم ضرر و بزرگترین ضرر برای امر الهی بوده و هست؟

«به اظهار دوستی و محبت که فقط با الفاظ باشد قانع نشوید، بگذارید قلبتان با محبت خالصانه نسبت به تمام افرادی که در راهتان می‌گذرند مشتعل باشد.»^{۱۴} (ترجمه)

۶. چه نوع دوستی نباید ما را راضی کند؟

۷. قلبمان باید به چه مشتعل گردد؟

«چون فکر جنگ آید آن را با فکر قوی‌تر صلح مقابله کنید. فکر نفرت را با فکر قوی‌تر عشق نابود سازید.»^{۱۵} (ترجمه)

۸. فکر جنگ را باید با چه مقابله نمود؟

۹. فکر نفرت را باید با چه نابود ساخت؟

بخش ششم

با در ذهن داشتن نصوص بالا، تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. «جذاب» به معنای جذب‌کننده است، مانند آهن‌ریا که آهن را جذب می‌کند. از چه نظر می‌توان لسان شفقت را به آهن‌ریا تشبیه کرد؟

۲. کدام یک از اظهارات زیر از لسان شفقت صادر می‌شود؟

_____ «مزاحم من نشو!»

_____ «چرا این را نمی‌فهمی؟»

_____ «ممکن است اندکی منتظر بمانید؟»

_____ «عجب بچه‌های بدی!»

_____ «ممنونم، خیلی محبت دارید.»

_____ «الآن اصلاً برایت وقت ندارم، سرم شلوغ است.»

۳. در کدام یک از موقعیت‌های زیر نزاع و جدال وجود دارد؟

_____ دو نفر طی مشورت افکار متفاوتی در بارهٔ یک موضوع بیان می‌کنند.

_____ دو نفر طی مشورت برآشفته می‌شوند و با یکدیگر جرّ و بحث می‌کنند.

_____ دو نفر شرکت در یک جلسهٔ دعای هفتگی را ادامه نمی‌دهند، زیرا از هم قهر کرده‌اند.

_____ اعضای یک تیم که روی پروژه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند مدام شکایت می‌کنند و هر یک می‌گویند که

_____ دیگران سهم خود را ادا نمی‌کنند.

۴. در کدام یک از موقعیت‌های زیر، نشانه‌های کدورت وجود دارد؟

_____ دو دوست در خیابان از کنار هم می‌گذرند، اما یکدیگر را نادیده می‌گیرند.

_____ فردی به یک جلسهٔ دعا می‌رسد و همه به گرمی از او احوال‌پرسی می‌کنند.

_____ دو عضو یک گروه، گرچه با یکدیگر مؤدّبانه رفتار می‌کنند، اما میل ندارند با هم در پروژه‌ای مشارکت کنند.

۵. تعیین کنید که آیا گزاره‌های زیر درست هستند یا خیر:

- _____ باید انسان دقیقاً آنچه را که درباره دیگران فکر می‌کند بگوید؛ مهم نیست اگر سبب رنجش قلب‌شان شود.
- _____ دروغ گفتن به منظور اجتناب از جدال مانعی ندارد.
- _____ با محبت و مهربانی می‌توان بر جدال غلبه کرد.
- _____ کلمات هنگامی که با محبت ادا شوند مؤثرتر هستند.
- _____ دعوا کردن با کسی که دعوا را شروع می‌کند مانعی ندارد.
- _____ اگر انسان مریض یا ناراحت باشد حق آن را دارد که با دیگران با تندی رفتار نماید.
- _____ از مهربانی به دور است که وقتی دیگران کاری را اشتباه انجام می‌دهند به آنها بخندیم
- _____ هنگامی که بین دوستان رنجشی هست، هر یک باید مخصوص نزدیک شدن به دیگری تلاش کند.
- _____ هنگامی که بین دوستان رنجشی هست، هر یک باید منتظر بماند تا دیگری برای نزدیک‌تر شدن نشان تلاشی کند.

بخش هفتم

نصوص زیر را مطالعه و از بر نمایید.

«غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند»^{۱۶}

«لا تنفس بخطاء احد مادمت خاطئاً»^{۱۷}

مضمون: تا خود خطاکاری، به خطای احدی دم مزین

«بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید»^{۱۸}

«یا ابن الوجود، کیف نسبت عیوب نفسک و اشتغلت بعیوب عبادی» ۱۹

مضمون: ای پسر وجود، چگونه عیوب خود را فراموش کردی و به عیوب بندگان من مشغول شدی.

۱. غیبت چه اثری بر فرد غیبت‌کننده می‌گذارد؟

۲. قبل از آن که به خطاهای دیگران دم زنیم، باید به چه چیز فکر کنیم؟

۳. اگر عیب دیگران را بزرگ دانیم چه بر سر ما خواهد آمد؟

۴. وقتی به عیوب دیگران فکر می‌کنیم چه چیز را باید به‌خاطر آوریم؟

بخش هشتم

با در ذهن داشتن نصوص بالا، تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. تمرکز بر عیوب دیگران چه تأثیری بر پیشرفت روح فرد دارد؟

۲. غیبت چه تأثیری بر جامعه دارد؟

۳. هنگامی که یکی از دوستان شروع به صحبت از عیوب دیگران می‌نماید چه می‌کنید؟

۴. تعیین کنید گزاره‌های زیر درست هستند یا خیر:

- _____ وقتی در بارهٔ عیوب واقعی یک نفر صحبت کنیم غیبت نکرده‌ایم.
- _____ وقتی در آن واحد در بارهٔ صفات پسندیده و عیوب یک فرد صحبت کنیم غیبت نکرده‌ایم.
- _____ غیبت در اجتماع ما مرسوم شده است و باید انضباط خودداری از آن را در خود پرورش دهیم.
- _____ اگر شخص شنونده قول دهد که آنچه را در بارهٔ دیگری می‌گوییم تکرار نکند غیبت کردن ضرری ندارد.
- _____ غیبت یکی از بزرگ‌ترین دشمنان وحدت و اتحاد است.
- _____ اگر عادت کنیم که همواره در بارهٔ دیگران صحبت کنیم، به راحتی ممکن است در خطر غیبت کردن افتیم.
- _____ وقتی در جلسهٔ محفل روحانی محلی در بارهٔ قابلیت‌های افراد مختلف صحبت می‌شود تا اعضای یک لجنه تعیین شوند، این کار غیبت محسوب می‌شود.
- _____ هر وقت حس تمایل به غیبت داریم، باید عیوب خود را به یاد آوریم.
- _____ وقتی می‌دانیم شخصی در حال انجام کاری است که به امر مبارک ضرر می‌رساند باید آن را با اعضای جامعه به گفتگو بگذاریم.
- _____ وقتی می‌دانیم یک فرد در حال انجام کاری است که به امر مبارک ضرر می‌رساند باید آن را فقط به اطلاع محفل روحانی محلی برسانیم.
- _____ اگر یک زوج در بارهٔ عیوب دیگران صحبت کنند اشکالی ندارد، چه که نباید مسأله‌ای را از یکدیگر پنهان دارند.

بخش نهم

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد هدف این واحد آن است که شرکت‌کنندگان را در تلاش‌های شان یاری دهد تا بتوانند عادت خواندن نصوصی از آثار مقدّسه در هر روز و تأمل بر معنای آنها را در خود ایجاد و تقویت

کنند. خواندن آیات الهی در هر صبح و شام یکی از تعالیم حضرت بهاءالله است که به پرورش روحانی ما می‌انجامد. بیان زیر به ما یادآور می‌شود که با اجرای این فریضه چه مواهبی دریافت می‌کنیم. شما را تشویق می‌کنیم این بیان را از برنمایید:

«اغتمسوا فی بحر بیانی لعلّ تطلعون بما فیہ من لثالی الحکمة و الاسرار» ۲۰

مضمون: در دریای بیان من غوطه‌ور شوید تا به آنچه از مرواریدهای حکمت و اسرار در آن است مطلع گردید.

حال که این واحد را به اتمام رسانده‌اید، شاید بخواهید کتابی از آثار مبارکهٔ حضرت بهاءالله داشته باشید و هرروز بخشی از آن را تلاوت کنید. به عنوان اولین کتاب، کلمات مبارکهٔ مکنونه انتخاب مناسبی است.

مراجع

۱. حضرت بهاء الله، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۳.
۲. حضرت بهاء الله، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۴.
۳. حضرت بهاء الله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۳۱.
۴. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۵.
۵. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۶۹.
۶. حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۵.
۷. حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه نصرالله مودت، ص ۵۵.
۸. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۳۶، ص ۱۹۰.
۹. مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۸۱.
۱۰. مائده آسمانی، جلد ۸، ص ۸.
۱۱. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۳۲، ص ۱۸۵.
۱۲. الواح وصایای حضرت عبدالبهاء.
۱۳. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۵، ص ۱۴.
۱۴. از خطابه ای مورخ ۱۶ و ۱۷ اکتبر ۱۹۱۱، منتشر شده در خطابات پاریس: خطابات حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۱ [Paris Talks: Addresses Given by 'Abdu'l-Bahá in 1911]، (ویلیمت: انتشارات بهائی، ۲۰۰۶، چاپ ۲۰۱۶)، شماره ۱، ۷، ص ۶ (ترجمه).
۱۵. از خطابه ای مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱، منتشر شده در خطابات پاریس: خطابات حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۱ [Paris Talks: Addresses Given by 'Abdu'l-Bahá in 1911]، (ویلیمت: انتشارات بهائی، ۲۰۰۶، چاپ ۲۰۱۶)، شماره ۶، ۷، ص ۲۲ (ترجمه).
۱۶. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، شماره ۱۲۵، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۷. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه عربی، شماره ۲۷.
۱۸. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۴۴.
۱۹. حضرت بهاء الله، کلمات مبارکه مکنونه، شماره ۲۶.
۲۰. منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، ص ۹۳.



دعا و مناجات

هدف

تأمل بر اهميت دعا و مناجات روزانه و
تقويت عادت دعا و مناجات منظم

بخش اول

هدف از دوره‌های مؤسسهٔ روحی کمک به شرکت‌کنندگان در پیمودن یک مسیر خدمت است. ما به واسطهٔ یک حس هدفمندی دوجانبه، یعنی رشد روحانی و فکری از یک سو و مشارکت در تحوّل اجتماع از سوی دیگر در این مسیر گام برمی‌داریم. این دو جنبه از هدف ما از یکدیگر جدایی ناپذیرند. حضرت بهاء‌الله در بیانی به ما می‌فرمایند:

«بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید»^۱.

ایشان در بیانی دیگر تصریح می‌فرمایند:

«...نفوس فانیه از عدم صرف، به عالم هستی قدم نهاده‌اند تا به اصلاح عالم پردازند و مدّت حیات را به کمال اتّحاد و اتّفاق بگذرانند»^۲ (ترجمه)

ایشان در مورد حالت درونی ما می‌فرمایند:

«قلب لطیف بمنزلهٔ آئینه است آن را بصیقل حبّ و انقطاع از ما سوی الله پاک کن تا آفتاب حقیقی در آن جلوه نماید و صبح ازلی طالع شود»^۳.

و حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند:

«قلبتان پاک باشد نیتتان خالص شود تا مستفیض از فیوضات الهیه گردید»^۴.

۱. تمرکز افکار و دغدغه‌های ما باید بر چه باشد؟

۲. به خاطر چه هدفی از عدم صرف قدم به عالم وجود نهاده‌ایم؟

۳. باید آینه قلب خود را به چه چیز پاک کنیم؟

۴. برخی حالاتی که جاذب فیوضات الهیه است چیست؟

۵. آیا هیچ یک از موارد زیر درست است؟

- اول باید مراقب خود باشید و بعد از دیگران مراقبت نمایید.
- اگر همیشه دارید به دیگران کمک می‌کنید، در نهایت از اهداف خودتان غافل خواهید شد.
- شما نزدیک‌ترین دوست خودتان هستید.
- مهم‌ترین چیزی بردن به آن است که چه چیزی شما را خوشحال می‌کند.
- رؤیاهای خود را دنبال کن. آنها تو را به شادمانی رهنمون خواهند شد.
- مادام که کارهایت لطمه‌ای به دیگران وارد نمی‌آورد، مهم نیست چه می‌کنی.
- مادام که کارهای خوبی انجام می‌دهید، مانعی ندارد که انگیزه‌های تان خودخواهانه باشد.

بخش دوم

یک اعتقاد راسخ که در هدف دوجانبه ما نقش اساسی دارد آن است که همه شریف آفریده شده‌ایم. حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«يَا ابْنَ الرُّوحِ، خَلَقْتِكَ غَنِيًّا كَيْفَ تَفْتَقِرُ، وَصَنَعْتِكَ عَزِيْزاً بِمَ تَسْتَدِلُّ، وَمِنْ جَوْهَرِ الْعِلْمِ أَظْهَرْتَكَ لِمَ تَسْتَعْلِمُ عَنْ دُونِي، وَمِنْ طِينِ الْحُبِّ عَجَبْتِكَ كَيْفَ تَشْتَغَلُ بِغَيْرِي؛ فَارْجِعِ الْبَصَرَ إِلَيْكَ لِتَجِدَنِي فِيكَ قَائِماً قَادِراً مُقْتَدِراً قِيُوماً.»^۵

مضمون: ای پسر روح، تو را غنی آفریدم، چطور خود را فقیر می‌کنی و تو را عزیز ساختم، به چه رو خود را ذلیل می‌کنی و از جوهر علم، تو را ظاهر کردم، چرا از غیر من طلب علم می‌کنی و از خاک عشق، تو را شکل دادم، چطور به غیر من مشغول می‌شوی؟ پس به خود نظر کن تا مرا در خود قائم و قادر و مقتدر و قیوم بیابی.

پر کردن جاهای خالی در زیر به شما کمک خواهد کرد تا درباره این بیان تأمل نمایید.

«يَا ابْنَ الرُّوحِ، خَلَقْتُكَ _____ كَيْفَ _____، وَ _____ بِمِ _____، وَ
مِنْ _____ أَظْهَرْتُكَ لِمَ _____ عَن _____، وَ مِنْ طِينِ _____
كَيْفَ _____ ب _____؛ فَأَرْجِعْ _____ إِلَيَّ _____ لِتَجِدَنِي _____ فِيكَ
_____»

مضمون: ای پسر روح، تو را _____ آفریدم، چطور خود را _____ می‌کنی و تو را _____
_____، به چه رو خود را _____ می‌کنی و از _____، تو را ظاهر کردم، چرا از غیر من
_____ و از خاک _____، تو را _____، چطور به _____
_____؟ پس به _____ کن تا _____ در خود _____ و _____ و _____
_____ و _____ بیابی.

برای آن که به شرافت روح خود پایبند بمانیم، باید به منشأ وجود خود رو کنیم و از او روشنی طلبیم. یکی از نافذترین طرق دستیابی به این مهم از طریق دعا و مناجات است. حضرت شوقی ربّانی، ولی امر بهائی، به ما می‌فرماید که هدف اصلی دعا «پرورش فرد و اجتماع به وسیله حصول فضائل و قوای روحانی» است؛ ایشان ادامه می‌دهند که «اول باید روح انسان را تغذیه کرد و این تغذیه روحانی را دعا به بهترین نحو می‌تواند فراهم کند»^۶. (ترجمه)

بخش سوم

خداوند علیم و حکیم است. او ما را آفرید و آنچه را که در قلوب ماست و برای ما بهترین است می‌داند. او به دعا و مناجات ما نیاز ندارد. پس چرا دعا می‌کنیم؟

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«در والاترین حالت دعا، انسان فقط برای محبت الهی دعا می کند، نه از جهت خوف از او یا نارجهنم و نه بامید نعیم و جنت ... وقتی که انسان مفتون حبّ دیگری گردد ممکن نیست از ذکر معشوقش سکون اختیار کند. پس چقدر دشوارتر است که انسانی مفتون خدا باشد و از ذکر نام او دم فروبندد ... شخص روحانی بهیچ چیز مسرت نیابد مگر بذكر الهی»^۷.

ایشان در پاسخ به سؤالی چنین توضیح می دهند:

«اگر دوستی به دیگری محبت دارد طبیعی نیست که بخواهد آن محبت را ابراز دهد؟ با آنکه می داند دوستش از محبت او آگاه است، آیا با وجود این تمایل ندارد احساسات خویش را به او بیان کند؟ ... البته خدا از آرزوهای قلوب خبیر و علیم است ولی عواطفی که انسان را به مناجات با حق دلالت می کند از مقتضیات طبیعت است و ناشی از محبت انسان است به خداوند...»^۸.

۱. جملات زیر را تکمیل کنید:

الف. در _____ حالت دعا، انسان فقط برای _____ الهی _____، نه از جهت خوف از او یا _____ و نه بامید _____ و _____.

ب. وقتی که ما مفتون _____ دیگری می شویم _____ از ذکر _____ سکون اختیار کنیم. پس چقدر _____ است که انسانی _____ باشد و از _____ نام _____ دم فروبندد.

ج. شخص روحانی بهیچ چیز _____ نیابد مگر به _____ الهی.

۲. چرا دعا می کنیم؟

۳. عبارت «ذكر الهی» به چه معناست؟

۴. پرشورترین آرزوی کسی که به دیگری محبت دارد چیست؟

۵. انگیزه و عواطفی که انسان را به مناجات با حقّ دلالت می‌کند ناشی از چیست؟

بخش چهارم

در نمازی که حضرت بهاءالله نازل فرموده‌اند چنین می‌خوانیم:

«أسألك ... بأن تجعل صلاتي ناراً لتحرق حجباتي التي منعتني عن مشاهدة جمالك و نوراً يدلّني
إلى بحر وصالك»^۹

مضمون: از تو می‌خواهم نمازم را آتشی قرار دهی تا حجبات مرا که مرا از دیدار جمال تو ممانعت
کرد بسوزاند و نوری قرار دهی که مرا به دریای وصال تو رهنمون شود.

در همان نماز از خدا چنین می‌خواهیم:

«ای ربّ فاجعل صلاتي كوثر الحيوان ليقبى به ذاتي بدوام سلطنتك و يذكرك في كلّ عالم من
عوالمك»^{۱۰}

مضمون: پروردگارا، نمازم را چشمه حیات قرار ده تا با آن ذات من به دوام سلطنت تو باقی باشد و در
هر عالمی از عوالمت تو را ذکر گوید.

۱. نماز از چه نظر می‌تواند مانند آتش باشد؟ چه چیزی را می‌سوزاند؟

۲. بعضی حجباتی که ما را از خدا منع می‌کند ذکر نماید:

۳. آیا نماز می‌تواند مانند نور باشد؟ ما را به کجا رهنمون می‌شود؟

۴. آیا نماز می‌تواند مانند کوثر حیوان باشد؟ چه چیز به روح ما عطا می‌کند؟

بخش پنجم

کلمات زیر از حضرت عبدالبهاء را بخوانید و در بارهٔ آنها تأمل کنید:

«در عالم وجود چیزی شیرین‌تر از دعا نیست. انسان باید در حالت دعا زندگی کند. مقدّس‌ترین حالات حالت دعا و استغاثه است. دعا مکالمه با پروردگار است. بالاترین موفقیت یا شیرین‌ترین حالت چیزی جز مکالمه با خدا نیست. دعا موجب معنویت است و موجد توجّه و احساسات الهی، سبب انجذابات جدید ملکوت است و عامل ایجاد قوا و استعدادات هوش والاتر.»^{۱۱} (ترجمه)

۱. شیرین‌ترین حالت در عالم وجود چیست؟

۲. عبارت «حالت دعا» به چه معناست؟

۳. برخی خصوصیات را که دعا ایجاد می‌کند ذکر نمایید:

۴. نصوصی که در این چند بخش مطالعه کرده‌اند مرور نمایید و پنج عبارت در باره ماهیت دعا بنویسید.

- نماز عبارت است از _____
- نماز عبارت است از _____
- نماز عبارت است از _____
- نماز عبارت است از _____
- نماز عبارت است از _____

بخش ششم

بیان زیر از حضرت بهاءالله را بخوانید و در باره آن تعمق نمایید:

«أن اقرأ يا عبد ما وصل اليك من آثار الله بروات المقرّبين لتستجذب بها نفسك و تستجذب من نعماتك أفئدة الخلائق اجمعين و من يقرء آيات الله في بيته وحده لينشر نفحاتها الملائكة الناشرات الى كل الجهات و ينقلب بها كل نفس سليم ولو لن يستشعر في نفسه و لكن يظهر عليه هذا الفضل في يوم من الايام كذلك قدر خفّيات الأمر من لدن مقدر حكيم.»^{۱۲}

مضمون: ای بنده، آنچه از آثار الهی را دریافت کردی به الحان مقرّبان تلاوت کن تا روح منجذب و قلوب کلّ مردمان نیز از نعمات تو منجذب شود و کسی که در خانه خود به تنهایی آیات خدا را تلاوت کند قطعاً فرشتگان رانحه آن را به جمیع جهات منتشر می‌کنند و هر نفس سلیمی با آن منقلب شود حتی اگر خودش نفهمد ولی روزی این فضل بر او ظاهر شود، اینچنین امور پنهان از طرف خداوند مقدر و حکیم مقدر شد.

۱. معنی کلمه «اقرأ» (مضمون: تلاوت کن) چیست؟ _____

۲. آیات و آثار الهی را چگونه باید تلاوت کنیم؟

۳. معنی کلمه «یقرء» (مضمون: تلاوت کند) چیست؟

۴. معنی کلمه «ینشر» (مضمون: منتشر می‌کند) چیست؟

۵. حلاوت نغمات ما چه تأثیری بر روح خود ما خواهند داشت؟

۶. حلاوت نغمات ما چه تأثیری بر قلوب دیگران خواهند داشت؟

بخش هفتم

شاید بخواهید دو بیان زیر از یکی از نمازهای نازل از قلم حضرت بهاءالله را از بر نمایید:

«الهی الهی لاتنظر الی آمالی و اعمالی بل الی ارادتک الّتی احاطت السّموات و الارض. و اسمک الاعظم یا مالک الامم ما اردت الا ما اردته و لا احبّ الا ما تحبّ»^{۱۳}

مضمون: خداوندا به آرزوها و اعمال من منگر بلکه به اراده خود که بر زمین و آسمانها احاطه دارد نظر نما. قسم به اسم اعظم تو ای کسی که مالک امتها هستی، اراده ای جز اراده تو ندارم و جز آنچه تو دوست داری دوست ندارم.

«سبحانک من ان تصعد الی سماء قریک اذکار المقربین او ان تصل الی فناء بابک طیور افئدة المخلصین. اشهد انک کنت مقدّساً عن الصّفات و منزّهاً عن الأسماء. لا اله الا انت العلیّ الأبهی» ۱۴

مضمون: پاکی از اینکه اذکار مقربان به آسمان قرب تو رسد و یا پرندگان افئده مخلصان به درگاهت واصل گردد. گواهی می‌دهم که تو از هر اسمی و صفتی منزّه و مقدّسی. جز تو خدای علیّ ابهائی نیست

بخش هشتم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«شایسته است که بنده به سوی پروردگار دعا و طلب مساعدت کند و به التماس و استغاثه از او مدد جوید. این است رتبه عبودیت و پروردگار هر آنچه بخواهد طبق حکمت کاملش حکم می‌کند.» ۱۵ (ترجمه)

ایشان توضیح می‌دهند:

«روح قوّه نافذه دارد و همچنین دعا و مناجات تأثیر روحانی دارد. لذا دعا می‌کنیم 'خدایا این مریض را شفا بخش' شاید خداوند اجابت نماید، آیا مهم است که چه فردی این دعا را می‌خواند؟ خداوند دعای هر بنده‌ای را اجابت می‌نماید اگر به حالت تضرّع و ابتهال باشد. فضل او بی‌انتهاست. دعای همه بندگان خود را اجابت می‌کند. دعای این گیاه را که بالقوّه مناجات می‌کند 'خدایا بر من باران بفرست' خداوند دعای او را اجابت می‌کند و گیاه رشد می‌کند. خداوند دعای همه را اجابت خواهد کرد.» ۱۶ (ترجمه)

طبیعی است که در ادعیه خود از خداوند بخواهیم نیازهای ما را برآورده سازد. بنا بر این برای سلامتی خود و سلامتی عزیزان خود دعا می‌کنیم، برای پیشرفت روحانی و مادّی خانواده‌های خود دعا می‌کنیم و برای کسب هدایت دعا می‌کنیم. قوّت می‌خواهیم، ایمان می‌خواهیم، تأیید در مسیر خدمت می‌خواهیم. البتّه در دعا به درگاه خداوند باید به یاد داشته باشیم که هدف ما در زندگی همسو کردن اراده خودمان با اراده الله است.

پس باید دعا کنیم اراده‌اش انجام شود و آماده باشیم که تسلیم اراده‌الله شویم. اگر کلمات زیر از حضرت عبدالبهاء را از بر کنید، در همه اوقات منشأ سرور و اطمینان شما خواهند بود:

«ای متوجه‌الی‌الله چشم از جمیع ما سوی بر بند و بملکوت ابهی برگشا آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب بنظری صد هزار حاجات روا نماید و بالتفاتی صد هزار درد بیدرمان دوا کند بانعطافی زخمها را مرهم نهد و بنگاهی دلها را از قید غم برهاند آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید است پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم به»^{۱۷}

بخش نهم

از تمام آنچه تا این لحظه مطالعه کرده‌ایم واضح است که رو کردن به خداوند در حال دعا از ضرورت‌های حیاتی زندگی روحانی است. به طور خاص چه شیرین است دعا کردن به سوی پروردگار پس از بیدار شدن از خواب در صبح و قبل از به خواب رفتن در شب. زمانی که هر روز صرف دعا و مناجات می‌نماییم و تعداد دعا و مناجات‌هایی که می‌خوانیم به نیازها و عطش روحانی ما بستگی دارد. به تناسب موقعیت می‌توانیم از بین مناجات‌های بسیاری که حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء نازل فرموده‌اند انتخاب کنیم. با این حال، حضرت بهاء‌الله سه نماز روزانه واجب نیز نازل فرموده‌اند. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

«سه صلات روزانه نازل شده است. صلات صغیر شامل یک آیه است که در هر بیست و چهار ساعت یکبار حین زوال باید تلاوت شود. صلات وسطی که با این کلمات شروع می‌شود که 'شهد الله انه لا اله الا هو' باید سه بار در روز تلاوت شود، در بکور و زوال و اصیل. این صلات با حالات و حرکات فیزیکی معینی همراه است. صلات کبیر که مفصلترین این سه نماز است باید یکبار در هر بیست و چهار ساعت در هر حین که انسان تمایل به اداء آن داشته باشد تلاوت شود.

فرد مؤمن در انتخاب یکی از این سه صلات کاملاً مختار است، اما موظف است یکی از آنها را ادا کند و شرایط و دستورات لازمه معینه مربوط به آن را تبعیت نماید»^{۱۸} (ترجمه)

ایشان چنین ادامه می دهند:

«حضرت بهاءالله برای این سه صلات روزانه و چند ادعیه مخصوص دیگر، مانند لوح شفاء و لوح احمد قوه و تأثیر و اهمیّت خاصی قائل شده‌اند. بدین جهت باید افراد احباء آنها همینگونه بپذیرند و بالاترید با ایمان و اطمینان کامل تلاوت نمایند تا از طریق آن به خداوند تقرّب بیشتر جویند و کامل تر از پیش با احکام و اوامر همراه و همدل باشند.»^{۱۹} (ترجمه)

سه نماز واجب که حضرت بهاءالله نازل فرموده‌اند به صورت فردی تلاوت می‌شوند. آن نوع نماز جماعت که شامل تلاوت نماز واجب روزانه در گروه و مطابق مناسکی خاص است در آئین بهائی وجود ندارد. نماز میّت تنها نماز جماعتی است که در احکام بهائی مقرر شده است. این نماز باید پیش از خاکسپاری توسط یکی از حضار تلاوت شود، در حالی که بقیه گروه در سکوت می‌ایستند.

۱. معنی کلمه «واجب» چیست؟ _____

۲. حضرت بهاءالله چند نماز روزانه واجب نازل فرموده‌اند؟ _____

۳. آیا باید هر سه نماز را در هر روز تلاوت کنیم؟ _____

۴. اگر انتخاب کنیم که صلات کبیر را تلاوت نماییم، باید چند بار در روز آن را ادا کنیم؟ _____

۵. اگر انتخاب کنیم که صلات وسطی را تلاوت نماییم، چند بار؟ _____

۶. اگر انتخاب کنیم که صلات صغیر را تلاوت نماییم، باید چند بار؟ _____

۷. برخی دعاها را که قدرت خاصی دارند ذکر کنید: _____

۸. صلوات صغیر را اگر تا حال از بر نکرده‌اید از بر نمایید:

«أشهد يا الهی بانك خلقتنی لعرفانك و عبادتك أشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتك و ضعفی و اقتدارك و فقري و غنائك * لا إله إلا أنت المهيمن القيوم»^{۲۰}

مضمون: ای پروردگار من، گواهی می‌دهم به این که مرا برای عرفان و عبادت خود آفریدی. در این لحظه گواهی می‌دهم به عجز خویش و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و غنای تو. نیست خدایی جز تو که دادرس و پابرجایی.

۹. در این دعا به چه چیزی شهادت می‌دهیم؟

بخش دهم

باید به یاد داشته باشیم که علاوه بر مواهبی که از اطاعت حکم نماز دریافت می‌کنیم و تغذیه‌ای که از تلاوت سایر ادعیه به صورت فردی کسب می‌نماییم، روح ما از شنیدن تلاوت دعا و مناجات در جلسات بزرگ و کوچک نیز اهتزاز می‌یابد. حضرت بهاء‌الله به ما می‌فرماید:

«به نهایت سرور و دوستی جمع شوید و آیات نازله از قلم ربّ رحیم را تلاوت نمایید. ابواب عرفان حقیقی بر باطن شما مفتوح خواهد شد و نفس خود را مخصّص به استقامت و قلب خود را مملوّ از سرور خواهید یافت.»^{۲۱} (ترجمه)

همه ما از دانستن این مطلب عمیقاً مسرور می‌شویم که در سرتاسر عالم، هزاران هزار جلسات دعا و نیایش که در آنها دوستان و همسایگان گرد هم می‌آیند تا با پروردگار مؤانست جویند، به سرعت در حال تکثیر است. بیت العدل اعظم می‌فرماید:

«جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند با ورود به آن از نفحات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و

نیاز با محبوب یکتا پردازد. در این جلسات است که احساس دوستی و هم‌دلی ایجاد می‌شود به خصوص ضمن گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در چنین مواقعی پیش می‌آید و از طریق آن 'مداین قلوب' فتح می‌شود.»^{۲۲}

هنگامی که روح‌مان در اهتزاز است و به سراغ دعا خواندن می‌رویم، لحظه‌ای در سکوت صبر می‌کنیم تا ذهن خود را از امور این دنیا پاک نماییم. حین دعا، افکار خود را بر خداوند متمرکز نگاه می‌داریم. پس از تلاوت دعا و مناجات، مدتی در سکوت می‌مانیم و بی‌درنگ به سراغ فعالیت دیگری نمی‌رویم. همین موضوع هنگامی که در جلسات به دعاهای دیگران گوش فرا می‌دهیم صادق است. در چنین موقعیت‌هایی، حالت دعا را در خود حفظ می‌کنیم و کلمات را به دقت دنبال می‌کنیم چنان‌که گویی خودمان در حال تلاوت آن دعا هستیم.

۱. با چه روحی باید گرد هم آییم و آیات الهی را تلاوت کنیم؟

۲. تأثیرگرد هم آمدن ما به منظور تلاوت آیات الهی چه خواهد بود؟

۳. جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند

- با _____،

- _____،

- _____،

- _____،

- _____، و

- _____.

۴. در این جلسات چه احساسی ایجاد می‌شود؟

۵. تأثیر گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در جلسات دعا پیش می‌آید چیست؟

۶. دربارهٔ حالت احترامی که باید هنگام دعا کردن، چه تنها و چه در جمع، از خود بروز دهیم چند کلمه بنویسید.

بخش یازدهم

تمرکز واحد اول این کتاب بر عادت خواندن نصوصی از آثار مبارکه در هر روز و اندیشیدن به معنای آنها بود. در اینجا دربارهٔ اهمیت دعا و مناجات تأمل کرده‌اید و در نتیجه عادت دعا و مناجات روزانه را در خود تقویت نموده‌اید. بخش قبل شما را متوجه اهمیت عبادت جمعی نمود. تمام آنچه تا حال مطالعه کرده‌اید شما را آماده ساخته تا در صورت تمایل، یکی از اولین اقدامات در مسیر خدمت را عهده‌دار شوید: میزبانی یک جلسهٔ دعا.

به عنوان یک گام اولیه، احتمالاً مایلید چندین دعا و مناجات را از برکنید و فرصتی بیابید تا آنها را با چند دوست در میان گذارید. در عین حال، می‌توانید اطمینان حاصل کنید که در حد اقل یک جلسهٔ دعا در

جامعه خود شرکت می‌کنید و از جمله حامیان پرشور آن به شمار می‌آید. سپس در نهایت شاید تصمیم بگیرید که خودتان میزبانی یک جلسه دعا را بر عهده بگیرید و از دوستان، اعضای خانواده و همسایگان خود دعوت کنید تا برای دعا و الفت به طور منظم گرد هم آیند. غیرمعمول نیست که دو یا سه شرکت‌کننده در این دوره درسی یک جلسه دعا را با هم آغاز نمایند.

همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، هیچ فرمولی برای نحوه سازماندهی یک جلسه دعا وجود ندارد. اما روشن است که در جلسه دعا دوستانی گرد هم می‌آیند و دعا و مناجات تلاوت می‌شود، نصوصی از آثار مبارکه خوانده می‌شود، مکالماتی روح‌افزا انجام می‌گیرد و فضایی مشخصاً روحانی در آن حاکم است. آیا می‌توانید در باره هر یک از اندیشه‌های زیر در بستر میزبانی یک جلسه دعا چند کلمه بگویید؟

دعوت گرم و محبت‌آمیز: _____

ایجاد یک جو پذیرا: _____

حفظ فضایی سرشار از حرمت و احترام: _____

ترویج الفت مسرت‌بخش: _____

تشویق به مکالماتی که از نظر روحانی روح افزا هستند: _____

مراجع

۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۶۷.
۲. حضرت بهاء‌الله در امانت: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار بهائی [Trustworthiness: A Compilation of]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (لندن: انتشارات بهائی، ۱۹۸۷)، شماره ۲۱، ص ۵ (ترجمه).
۳. حضرت بهاء‌الله، آثار قلم‌اعلی، جلد ۳، هفت وادی.
۴. خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، صص ۵۷-۵۸.
۵. حضرت بهاء‌الله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۱۳.
۶. از توقیعی مورخ ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از افراد احبّاء، منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، گردآوری دارالتحقیق بیت العدل اعظم (ویلنت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۷۱، ص ۳۱ (ترجمه).
۷. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل توسط ج. ای. اسلمنت در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۱۰.
۸. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل توسط ج. ای. اسلمنت در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۱۰.
۹. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۰.
۱۰. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۲.
۱۱. بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل در نجم باختر [Star of the West]، جلد ۸، شماره ۴ (۱۷ مه ۱۹۱۷)، ص ۴۱ (ترجمه).
۱۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۱۸۹.
۱۳. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۷۱-۷۲.
۱۴. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۷۰.
۱۵. حضرت عبدالبهاء در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the

- ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۱۹)، شماره ۲۴، ص ۷ (ترجمه).
۱۶. از خطابه‌ای مورخ ۵ اوت ۱۹۱۲ منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، شماره ۷۹، ص ۳۶ (ترجمه).
۱۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۴۹.
۱۸. از توقیعی مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، منتشر شده در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، شماره ۶۱، ص ۲۵ (ترجمه).
۱۹. از توقیعی مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، نقل در ادعیه بهائی: گزیده‌ای از ادعیه نازلّه توسط حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء [Bahá'í Prayers: A Selection of Prayers Revealed by Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá]، (ویلمت: انتشارات بهائی، ۲۰۰۲، چاپ ۲۰۱۷)، ص ۳۰۱ (ترجمه).
۲۰. حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۸۴.
۲۱. حضرت بهاء‌الله در دعا و حیات نیایشی: مجموعه‌ای از گزیده‌های آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله و پیام‌های بیت العدل اعظم [Prayer and Devotional Life: A Compilation of Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Báb, and 'Abdu'l-Bahá and the Letters of Shoghi Effendi and the Universal House of Justice]، شماره ۶۸، ص ۲۹ (ترجمه).
۲۲. از ترجمه‌ای از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.



زندگی و مرگ

هدف

درک این مطلب که زندگی فقط تغییرات و فرصت‌های موجود در این جهان نیست بلکه اهمیّت حقیقی آن در پرورش روح است.

بخش اول

روح انسان از ماده و دنیای فیزیکی متعالی است. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود توضیح می دهند:

«چون بسائر کائنات نظر کنی واضح است که ترکیب عناصر مختلفه است * لهدا این ترکیب مبدل بتحلیل میشود * مثلاً جسم انسانی از عناصر متعدده مرکب است ولی این ترکیب دائمی نیست لابد تحلیل میشود چون تحلیل یابد آنوقت انعدام جسم است... اما روح انسانی ترکیب نیست از عناصر مختلفه نیست بلکه مجرد از عناصر است و مقدس از طبایع چون مرکب از عناصر نیست اینست که حی و باقیست و در نشئه ابدیست»^۱

۱. معنی «مرکب از» چیست؟
۲. آیا روح انسان، مانند اجسام مادی، مرکب از عناصر مختلف است؟
۳. آیا روح انسان یک موجود فیزیکی است؟

بخش دوم

در توقیعی از طرف حضرت ولی امرالله آمده که «روح انسان از زمان لقاح به وجود می آید»^۲ (ترجمه). بیت العدل اعظم در پاسخ به سؤالی از معنای «لقاح» اشاره می فرماید:

«از آثار بهائی مطلبی یافت نشده که لحظه و ماهیت زیست‌شناختی رویدادی را که تحت عنوان 'لقاح' توصیف شده دقیقاً تعریف کند. به نظر می آید که این اصطلاح در بستر پزشکی نیز تعریف دقیقی ندارد. در واقع، یک برداشت از لقاح آن است که همزمان با بارور شدن نطفه رخ می دهد. اما برداشت دیگر آن است که لقاح پس از باروری نطفه و اتصال آن به رحم رخ می دهد و آغاز بارداری است. بنابراین، احتمال دارد دانستن زمان تعلق یافتن روح به جسم مادی غیرممکن باشد و چنین سؤالاتی ممکن است با فکری پژوهش بشر قابل حل نباشند، زیرا به اسرار عالم روحانی و ماهیت خود روح مربوط می شوند.»^۳

۱. روح انسان چه زمان به وجود می‌آید؟

۲. آیا اصطلاح «لقاح» یک لحظه دقیق زیست‌شناختی را توصیف می‌کند؟

بخش سوم

ارتباط بین روح و جسم مادی نیست؛ روح داخل جسم یا از آن خارج نمی‌شود و فضای فیزیکی اشغال نمی‌کند. تعلق آن به جسم شبیه تعلق نور به آینه‌ای است که آن را منعکس می‌نماید. نوری که در آینه ظاهر می‌شود درون آن نیست. به همان ترتیب، روح درون جسم نیست. چنان که حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند:

«نفس ناطقه یعنی روح انسانی قیام حلول باین جسد ندارد یعنی در این جسد داخل نه زیرا حلول و دخول از خصائص اجسام است و نفس ناطقه مجرد از آن از اصل داخل در این جسد نبوده تا بعد از خروج محتاج بمقرّی باشد بلکه روح بجسد تعلق داشته مثل تعلق این سراج در آئینه چون آئینه صافی و کامل نور سراج در آن پدیدار و چون آئینه غبار برداشت یا آنکه شکست نور مخفی ماند.»^۴

۱. جاهای خالی را در جملات زیر پر کنید.

الف. نفس ناطقه یعنی _____ قیام حلول باین جسد ندارد یعنی _____.

ب. _____ یعنی روح انسانی در جسد داخل نمی‌شود، زیرا حلول و دخول _____ است و نفس ناطقه _____.

ج. روح از اصل _____ نبوده تا بعد از خروج محتاج به _____ باشد.

د. روح بجسد تعلق داشته مثل تعلق _____.

ه. چون آئینه صافی و کامل _____ در آن پدیدار.

و. چون آئینه غبار برداشت یا آنکه شکست _____.

۲. براساس آنچه تا حالا مطالعه کردیم، تعیین کنید که موارد زیر درست است یا خیر:

_____ روح متعلق به عالم فیزیکی نیست.

_____ روح درون جسم است.

_____ جسم صاحب روح است.

_____ روح ابدی است.

_____ آغاز وجود انسان زمانی است که روح به جنین تعلق می‌یابد.

_____ زندگی زمانی شروع می‌شود که فرد در این دنیا متولد می‌شود.

_____ وجود مادی فرد بعد از مرگ ادامه می‌یابد.

_____ زندگی متشکل از اموری است که هر روز برای ما اتفاق می‌افتد.

۳. از تمثیل نور و آینه استفاده کنید تا رابطهٔ بین روح و جسم را توصیف نمایید: _____

بخش چهارم

رابطهٔ بسیار خاصی بین روح و جسم وجود دارد و آن دو با هم یک انسان را تشکیل می‌دهند. این رابطه فقط در مدت حیات فانی ادامه می‌یابد. هنگامی که تعلق میان روح و جسم متوقف می‌شود، هر یک به مبدأ خود بازمی‌گردد: جسم به عالم خاک و روح به عوالم روحانی الهی که در آنها به ترقی ادامه می‌دهد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«روح انسانی را بدایت است ولی نهایت نه الی الأبد باقی است».

ایشان در یکی از خطابات خود چنین توضیح می دهند:

«روح محتاج به جسم نیست جسم محتاج به روح است روح به جسم زنده نیست جسم به روح زنده است»^۶

حضرت ولی امرالله نیز چنین توضیح می دهند:

«در خصوص روح انسانی: طبق تعالیم بهائی، روح انسان با تشکیل جنین انسان شروع می شود و پس از مفارقت از جسم، به ترقی خود ادامه می دهد و از مراحل لایتناهی وجود می گذرد. لذا پیشرفت آن نامحدود است.»^۷

۱. با در ذهن داشتن نصوص بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا جسم محتاج به روح است؟

ب. آیا روح محتاج به جسم است؟

ج. وقتی می میریم برای رابطه بین جسم و روح چه اتفاقی می افتد؟

د. پس از مرگ، چه اتفاقی برای روح می افتد؟

ه. ترقی روح چه مدت ادامه دارد؟

و. زندگی چه وقت پایان می یابد؟

۲. تعیین کنید کدام یک از موارد زیر با آنچه در این بخش ها مطالعه کردیم مطابقت دارد:

_____ مرگ مجازات است.

_____ ارتباط بین جسم و روح فقط در مدت حیات فانی ادامه می یابد.

- _____ جسم قادر به پیشرفت ابدی است.
- _____ وح تا همیشه ترقی خواهد نمود.
- _____ مرگ پایان زندگی است.
- _____ یوم جزایی خواهد بود که در آن اجسام ما قیام خواهند کرد.
- _____ هنگام مرگ، روح نسبت به قبل، آزادی بیشتری دارد.
- _____ زندگی با مرگ پایان می یابد.
- _____ باید از مرگ بترسیم.
- _____ غذا، پوشاک، استراحت و تفریح برای روح ضروری هستند.
- _____ وقتی جسم انرژی خود را مصرف می کند، روح خسته می شود.
- _____ روح از بیماری یا ضعف جسم تأثیر نمی پذیرد.
- _____ انسان پس از مرگ هنوز نیازهای فیزیکی خواهد داشت.

بخش پنجم

دیده ایم که روح، بر خلاف موجودات مادی، فضای فیزیکی اشغال نمی کند و طبق قوانین طبیعت عمل نمی نماید. روح به وسیله جسم در عالم تأثیر می گذارد، اما این تنها شیوه ای نیست که روح به واسطه آن قوای خود را به کار می گیرد. حضرت بهاء الله می فرمایند:

«اوست آیتی که از دخول و خروج مقدس است و اوست ساکن طائر و سائر قاعد».^۸

همچنین حضرت عبدالبهاء به ما می فرمایند:

«بدانکه تصرف و ادراک روح انسانی بر دو نوع است یعنی دو نوع افعال دارد دو نوع ادراک دارد یک نوع بواسطه آلات و ادوات است مثل اینکه باین چشم می بیند باین گوش میشنود باین زبان تکلم مینماید....»

نوع دیگر از تصرّفات و اعمال روح بدون آلات و ادوات»^۹.

۱. جاهای خالی را در جملات زیر پر کنید:
 - الف. روح انسان آیتی است که از _____ و _____ مقدّس است.
 - ب. روح _____ است.
 - ج. روح _____ است.
۲. دو روشی که روح به واسطهٔ آنها ادراک می‌کند و در این عالم تأثیر می‌گذارد توضیح دهید: _____

۳. آیا می‌توانید از تأثیرات و کارهایی که روح بدون اسباب جسمانی دارد مثال‌هایی بزنید؟ _____

بخش ششم

حال در پرتو گفتگوهای بخش‌های قبل، بیان زیر از آثار حضرت بهاء‌الله را بخوانید:

«معلوم آنجناب بوده که روح در رتبه خود قائم و مستقرّ است و اینکه در مریض ضعف مشاهده میشود بواسطه اسباب مانعه بوده والا در اصل ضعف بروح راجع نه مثلاً در سراج ملاحظه نمائید مضمیء و روشن است ولکن اگر حائلی مانع شود در این صورت نور او ممنوع مع آنکه در رتبه خود مضمیء بوده ولکن باسباب مانعه اشراق نور منع شده و همچنین مریض در حالت مرض ظهور قدرت و قوّت روح بسبب اسباب حائله ممنوع و مستور ولکن بعد از خروج از بدن بقدرت و قوّت و غلبه ظاهر که شبه آن ممکن نه و ارواح لطیفه طیّبه مقدّسه بکمال قدرت و انبساط بوده و خواهند بود»^{۱۰}

۱. به زبان خود توضیح دهید که چطور روح در رتبه خود قائم و مستقر است و تحت تأثیر ضعف جسم یا ذهن قرار نمی‌گیرد. هنگام جدا شدن روح از بدن چه چیزی معلوم خواهد شد.

۲. آیا پس از مرگ بدن فیزیکی خود، فردیت‌مان را حفظ خواهیم کرد؟

بخش هفتم

حضرت بهاء‌الله به ما می‌فرماید:

«و اما ما سئلت عن الروح و بقاءه بعد صعوده فأعلم انه يصعد حين ارتقائه الى ان يحضر بين يدي الله في هيكلا لا تغیره القرون و الأعصار و لا حوادث العالم و ما يظهر فيه و يكون باقياً بدوام ملكوت الله و سلطانه و جبروته و اقتداره و منه تظهر آثار الله و صفاته و عناية الله و الطافه.»^{۱۱}

مضمون: این که از روح و بقای آن بعد از صعودش سؤال نمودی، بدان که در حین صعود بالا می‌رود تا با هیکلی که قرون و اعصار و حوادث عالم در آن تغییری نمی‌دهد در مقابل خداوند حاضر گردد و تا ملکوت و سلطنت و جبروت و اقتدار الهی ادامه دارد باقی می‌ماند و آثار و صفات و عنایت و الطاف خداوندی از او ظاهر می‌شود.

۱. روح پس از مرگ فیزیکی تا چه مدت به رشد و ترقی ادامه خواهد داد؟

۲. روح سفر ابدی خود تا محضر خداوند را در چه حالتی ادامه خواهد داد؟

۳. برخی خصائل و آثاری که روح در آن حالت ظاهر خواهد ساخت چیست؟

۴. بر اساس آنچه تا حال مطالعه کردیم، تعیین کنید که آیا موارد زیر درست است یا خیر:

_____ ملکوت الهی برای همیشه تداوم خواهد یافت.

_____ روح قابلیت ظاهر ساختن خصائل الهی را دارد.

_____ دعا و مناجاتی که برای درگذشتگان می خوانیم بر ترقی روح آنها تأثیر نمی گذارد.

_____ زندگی روح هرگز متوقف نمی شود.

بخش هشتم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«اذن واعیة طاهرة مقدسه در جمیع احیان از کلّ اشطار کلمه مبارکه انا لله و انا الیه راجعون اصغاء می نماید. اسرار موت و رجوع مستور بوده و هست...»

موت از برای موقنین بمثابه کأس حیوان است فرح بخشد و سرور آرد و زندگانی پاینده عطا فرماید...

مخصوص نفوسی که بثمره خلقت که عرفان حقّ جلّ جلاله است فائز شده اند این مقام را بیانی دیگر و ذکری دیگر است. العلم عندالله ربّ العالمین.»^{۱۲}

«یا ابنَ العَمَاءِ، جَعَلْتُ لَكَ الْمَوْتَ بِشَارَةً، كَيْفَ تَحْزَنُ مِنْهُ. وَجَعَلْتُ النُّورَ لَكَ ضِيَاءً، كَيْفَ تَحْتَجِبُ عَنْهُ.»^{۱۳}

مضمون: ای پسر عما، مرگ را برای تو بشارتی قرار دادم، چطور از آن محزون می‌شوی؟ و نور را برای تورو شنی قرار دادم، چطور از آن محتجب می‌گرددی؟

۱. کدام یک از گزاره‌های زیر درست است؟

_____ روح انسان از خدا نشئت می‌گیرد و به او بازخواهد گشت.

_____ تمام دانش مربوط به حیات پس از مرگ نزد خداست.

_____ برای موقنین، مرگ زندگی است.

_____ مرگ فرح و سرور می‌آورد.

_____ اسرار موت را همه می‌دانند.

_____ ما باید مواهب زندگی را قدر بدانیم، اما از مرگ نترسیم، زیرا مرگ بشارت است.

_____ اهمّیتی ندارد که در بارهٔ زندگی پس از مرگ بدانیم.

۲. حال با در ذهن داشتن آنچه در این بخش‌ها مطالعه کردیم، پاراگراف کوتاهی در بارهٔ زندگی، مرگ، جسم و روح بنویسید.

بخش نهم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«در بدایت حیاتش انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم استعداد و لیاقت و ترقّی باین عالم حاصل کرد و قوائی که در این عالم لازم بود در آن عالم تحصیل نمود. چشم لازم داشت در این عالم در عالم رحم حاصل نمود گوش لازم داشت در این عالم در عالم رحم پیدا کرد جمیع قوائی که در این عالم لازم بود در عالم رحم تحصیل کرد در عالم رحم مهیای این عالم شد. و به این عالم که آمد دید که جمیع قوای لازمه مهیّا است جمیع اعضا و اجزائی که از برای این عالم حیات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده. پس در این عالم نیز باید تهیّه و تدارک عالم بعد را دید و آنچه در عالم ملکوت محتاج باید تهیّه و تدارک آن در اینجا بیند همچنانکه در عالم رحم قوائی که در این عالم محتاج به آن است پیدا نمود همچنین لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند.»^{۱۴}

۱. تعیین کنید آیا موارد زیر درست هستند یا خیر:

- _____ جمیع قوایی که در این عالم لازم است در عالم رحم به دست می‌آید.
- _____ نیازی نیست که خود را برای زندگی در عالم بعد آماده کنیم.
- _____ آنچه در عالم ملکوت لازم است باید در اینجا به دست آوریم.
- _____ هدف از این زندگی کسب قوای لازم برای زندگی در عالم بعد است.
- _____ زندگی حقیقی زمانی شروع می‌شود که فرد می‌میرد و به عالم ملکوت می‌رود.
- _____ زندگی حقیقی در این عالم شروع می‌شود و پس از مرگ فیزیکی ادامه می‌یابد.

۲. برخی قابلیت‌هایی که انسان در عالم رحم به دست می‌آورد چیست؟

۳. برخی مواهبی که باید در اینجا برای زندگی پس از مرگ کسب نمود چیستند؟

بخش دهم

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

«اصل الیوم اخذ از بحر فیوضاتست دیگر نباید نظر بکوچک و بزرگی ظروف باشد، یکی کفی اخذ نموده و دیگری کاسی و همچنین دیگری کوبی و دیگری قدری.»^{۱۵}

۱. در پرتو نصّ بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. الیوم وظیفه هر فرد چیست؟

ب. بعضی مواهبی که از خدا دریافت نموده‌اید چیست؟

ج. کلمه «ظرف» در نصّ بالا به چه چیز اشاره دارد؟

د. چرا نباید «کوچک و بزرگی» قابلیت‌هایی که به ما عطا شده را در نظر بگیریم؟

۵. برخی چیزهایی که ما را از دریافت سهم خود از فیوضات الهی منع می‌کند چیست؟ _____

۲. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ «کوچک و بزرگی» قابلیت ما به میزان باهوشی ما اشاره دارد.

_____ برای خدمت به خداوند، لازم است ضعف‌های خود را فراموش کنیم و نهایت توکل را به او بنماییم.

_____ اگر در این عالم قابلیت‌هایی که خداوند به ما عطا کرده را پرورش ندهیم، روح ما هنگام رسیدن به عالم بعد ضعیف خواهد بود.

بخش یازدهم

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

«اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید، آنها آیه الهیه و جوهره ملکوتیه الّتی عجز کلّ ذی علم عن عرفان حقیقتها وکلّ ذی عرفان عن معرفتها. آنها اول شیء حکمی عن الله موجدہ و اقبل الیه و تمسک به و سجد له. در این صورت بحق منسوب و باو راجع و من غیر آن بهوی منسوب و باو راجع.»^{۱۶}

مضمون بخش عربی: نفس یا روح نشانه‌ای الهی است و جوهری ملکوتی است که هر عالمی از عرفان حقیقت آن و هر عارفی از معرفت آن عاجز است. اولین موجودی است که از خداوندی که آن را به وجود آورده حکایت کرد، به او روی آورد و تمسک ورزید و سجد کرد.

۱. جاهای خالی در جملات زیر را پر کنید:

الف. روح _____ الهی است.

ب. روح _____ است که هر عالمی از عرفانِ _____ آن و هر عارفی از _____ آن عاجز است.

ج. روح _____ است که _____ حکایت کرد.

د. روح اولّین موجودی است که به خداوند _____.

ه. روح اولّین موجودی است که به خداوند _____.

و. روح اولّین موجودی است که به خداوند _____.

۲. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ «عرفان» یعنی شناختن.

_____ در میان تمام موجودات، اولّین موجودی که به عرفان الهی فائز شد مغز انسان است.

_____ «عارف» یعنی دانا.

_____ انسان عالم حقیقت روح را می‌فهمد.

_____ تنها فلاسفهٔ بزرگ می‌توانند از کمال الهی حکایت کنند.

_____ فکر کردن در بارهٔ روح ضروری نیست، زیرا هرگز نخواهیم توانست آن را درک کنیم.

بخش دوازدهم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«مثل شما مثل طبری است که باجنحهٔ منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد بگمان دانه بآب و گل ارض میل نماید و بحرص تمام خود را بآب و تراب بیالاید و بعد که ارادهٔ صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحهٔ آلوده بآب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود در این وقت آن طایر سماء عالیّه خود را ساکن ارض

فانیه بیند. حال ای عباد پره‌ای خود را بطین غفلت و ظنون و تراب غلّ و بغضاء می‌الایید تا از طیران در آسمانهای قدس عرفان محروم و ممنوع نمانید.»^{۱۷}

۱. جملات زیر را کامل کنید.

الف. طیر یا پرنده‌ای که حضرت بهاء‌الله در این نص به آن اشاره می‌فرماید _____ است.

ب. این طیر ساکن _____ است.

ج. اگر بال‌های پرنده آلوده باشد، او مجبور است در _____ سکنی گزیند.

۲. حال به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. «اجنحه» روح چطور «آلوده» می‌شود؟ _____

ب. بعضی چیزهایی که مانند «آب و گل ارض» بر بال‌های روح سنگینی می‌کند چیست؟ _____

ج. بعضی چیزهایی که می‌تواند ما را از طیران در آسمان‌های قدس عرفان منع کند چیست؟ _____

د. روح یک انسان چرا خانهٔ آسمانی خود را با طین این عالم معاوضه می‌نماید؟ _____

۳. تعیین کنید که آیا گزاره‌های زیر درست است یا خیر:

_____ تعلقات دنیوی ما را از ترقی روحانی باز می‌دارد.

_____ غفلت و ظنون‌مان ما را از پرواز در آسمان‌های قدس عرفان باز می‌دارد.

_____ غل و بغضا از خصایص طبیعی انسان هستند و ثقلی به روح وارد نمی‌آورند.

_____ با انقطاع و گسستن از شئون این دنیا می‌توانیم خود را از آنچه بر ما سنگینی می‌کند و ما

را از طیران در هواهای خوش سبحان منع می‌کند برهانیم.

_____ خانه روح در این عالم است.

بخش سیزدهم

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

«و بعد از خلق کل ممکنات و ایجاد موجودات بتجلی اسم یا مختار انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود... زیرا کینونت و حقیقت هر شیء را باسمى از اسماء تجلی نمود و بصفتی از صفات اشراق فرمود مگر انسان را که مظهر کل اسماء و صفات و مرآت کینونت خود قرار فرمود و باین فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود.»^{۱۸}

۱. جاهای خالی در زیر را پر کنید.

الف. خداوند انسان را از بین امم و خلائق برای _____ اختیار نمود.

ب. خداوند کینونت و حقیقت _____ شیء را به _____ تجلی نمود و به _____ صفتی از صفات اشراق فرمود.

ج. خداوند انسان را که مظهر _____ و مرآت _____ قرار فرمود.

۲. حال به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا می‌توانید بعضی صفات الهی را ذکر کنید؟

ب. برخی صفات الهی که روح انسان می‌تواند انعکاس دهد چیست؟

ج. این صفات چگونه می‌توانند ظاهر شوند؟

د. چه فضل عظیمی به انسان اختصاص داده شده است؟

۳. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ انسان از بقیه خلقت متمایز نیست.

_____ قابلیت عرفان خداوند و حبّ او علت غائی و سبب خلقت کائنات است.

_____ حقیقت هر شیء مظهر یکی از صفات الهی است.

_____ روح انسان می‌تواند همه صفات الهی را منعکس سازد.

بخش چهاردهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«این تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوبست چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شئون بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است. حال این شمع و سراج را افروزنده باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده شاید. و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفرزد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی امس در او منطبق نشود».^{۱۹}

۱. معنی کلمه «مستور» چیست؟

۲. برخی قوا که در روح انسان مستور است چیست؟

۳. سراج چه قوای نهفته‌ای دارد؟

۴. مرآت چه قوای نهفته‌ای دارد؟

۵. برای آن که سراج بتواند نور بخشد چه باید کرد؟

۶. برای آن که مرآت بتواند نور را منعکس سازد چه باید کرد؟

۷. آیا سراج و مرآت می‌توانند قوای نهفته خود را به تنهایی ظاهر سازند؟

۸. چطور می‌توانیم این دو مثال را به حالات روح انسان ربط دهیم؟

۹. چه کسی می‌تواند کاری کند که روح انسان قوای نهفته خود را ظاهر سازد؟

بخش پانزدهم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«سبیل کل بذات قدم مسدود بوده و طریق کل مقطوع خواهد بود و محض فضل و عنایت شمس مشرقه از افق احدیه را بین ناس ظاهر فرموده و عرفان این انفس مقدّسه را عرفان خود قرار فرموده، من عرفهم فقد عرف الله و من سمع کلماتهم فقد سمع کلمات الله و من اقرّ بهم فقد اقرّ بالله و من أعرض عنهم فقد اعرض عن الله و من كفر بهم فقد كفر بالله و هم صراط الله بین السموات و الأرض و میزان الله فی ملکوت الأمر و الخلق و هم ظهور الله و حججه بین عباده و دلائله بین برّيته.»^{۲۰}

مضمون بخش عربی: کسی که مظاهر الهی را بشناسد خدا را شناخته است و هر که کلمات آنان را استماع کند کلمات خدا را استماع نموده، کسی که اقرار به آنان کند اقرار به خدا کرده و کسی که از آنان روی بگرداند از خداوند روگردان شده و کسی که به آنها کافر شود به خدا کافر گردیده است. آنان طریق الهی بین آسمان‌ها و زمین هستند و میزان او در ملکوت امر [مظهر ظهور] و در ملکوت خلق [مردمان]. آنها ظهور الهی و حجت‌های الهی بین مردمانند و رهبر و راهنمای بندگان.

۱. با در ذهن داشتن نصّ بالا، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف. آیا امکان شناخت خدا به صورت مستقیم را داریم؟

ب. پس چطور می‌توانیم خدا را بشناسیم؟

ج. آیا می‌توانید بعضی از شمس‌مشرقه از افق هدایت احدیه را نام ببرید؟ _____

د. کسانی که به مظاهر ظهور الهی گوش فرا داده‌اند کلمات چه کسی را استماع نموده‌اند؟ _____

ه. وقتی از ندای مظاهر ظهور الهی غافل می‌شویم، از چه کسی روگردان شده‌ایم؟ _____

۲. جملات زیر را کامل کنید:

الف. _____ سبیل کل بذات قدم _____ بوده.

ب. طریق کل به عرفان ذات قدم _____ خواهد بود.

ج. خداوند محض _____ و _____ مظاهر ظهور خود را بین ناس ظاهر فرمود.

د. عرفان مظاهر ظهور الهی را _____ قرار فرمود.

ه. من عرفهم فقد _____.

و. من سمع کلماتهم فقد _____.

ز. هم صراط الله _____

۳. کدام یک از موارد زیر درست است؟

_____ از طریق مساعی خودمان به تنهایی می‌توانیم از نظر روحانی رشد نماییم.

_____ خدا به ما ذهن داده و ذهن برای پیشرفت ما کافی است.

- _____ ما با شناختن مظهر ظهور الهی از نظر روحانی ترقی خواهیم نمود و لازم نخواهد بود که تلاش بیشتری نماییم.
- _____ ما با شناختن مظهر ظهور الهی و تلاش برای زندگی مطابق تعالیم آن حضرت، می‌توانیم از نظر روحانی ترقی نماییم.
- _____ می‌توانیم خدا را به صورت مستقیم بشناسیم.
- _____ انسان می‌تواند درست مانند خدا شود.
- _____ خداوند مقدّس از ادراک بشر است.
- _____ وقتی به کلمات یکی از مظاهر ظهور الهی گوش فرا می‌دهیم، در حال استماع کلمات خدا هستیم.

بخش شانزدهم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

«انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق بصراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند.»^{۲۱}

ایشان همچنین در بیانی دیگر می‌فرمایند:

«انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده بیک کلمه خلق فرمود و بکلمه اخری بمقام تعلیم هدایت نمود و بکلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود می‌فرماید 'انسان را بمتابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما بتربیت جواهر آن بعرضه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد انتهی'!

اگر نفسی در کتب منزله از سماء احدیه بدیده بصیرت مشاهده نماید و تفکر کند ادراک می‌نماید که مقصود آنست جمیع نفوس نفس واحده مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم الملک لله منطبع شود و شمس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید.»^{۲۲}

۱. انبیاء و مرسلین محض چه هدفی آمده‌اند؟

۲. مقصود ظهور ایشان چیست؟

۳. معنی کلمه «طلسم» چیست؟

۴. نتیجه عدم تربیت مناسب چیست؟

۵. تربیت مناسب می‌تواند منجر به چه شود؟

۶. سرچشمه یا مقام تعلیم ما چیست؟

۷. مقامات ما چیست؟

۸. برخی احجاری که به تربیت ظاهر می‌شود چیست؟

۹. وقتی در آثار مقدّسه تفکر می‌کنیم چه چیزی را ادراک می‌نماییم؟

بخش هفدهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«واینکه سؤال نمودید روح بعد از خراب بدن بکجا راجع میشود اگر بحق منسوب است برفیق اعلی راجع لعمر الله بمقامی راجع میشود که جمیع السن و اقلام از ذکرش عاجز است هر نفسی که در امر الله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض مینمایند»^{۲۳}.

۱. جملات زیر را کامل کنید:

الف. اگر روح به حق منسوب است _____.

ب. بمقامی راجع میشود که _____.

ج. هر _____ که در _____ و _____ است بعد از _____ جمیع عوالم از _____ او _____.

بخش هجدهم

حضرت بهاء الله به ما می فرمایند:

«طوبی للروح خرج من البدن مقدّساً عن شبهات الأمم انه يتحرّك في هواء ارادة ربّه و يدخل في الجنة العليا و تطوفه طلعات الفردوس الأعلى و يعاشر انبياء الله و اوليائه و يتكلّم معهم و يقصّ عليهم ما ورد عليه في سبيل الله ربّ العالمين»^{۲۴}.

مضمون: خوشا به حال روحی که پاک از شبهات مردمان از بدن خارج شود. آن روح در هوای اراده پروردگارش حرکت می نماید و به بهشت برین وارد می شود، فرشتگان عالم بالا دور او طواف می کنند و با انبیا و اولیای الهی معاشر می شود و مکالمه می کند و آنچه در راه الهی بر سر او آمده برای آنان نقل می نماید.

«و بر عاصیان قلم عفو درکشد و بحقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است. ای بسا عاصی که در حین موت بجوهر ایمان موفّق شود و خمر بقا چشد و بملاً اعلی شتابد. و بسا مطیع و مؤمن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و باسفل درکات نیران مقرّ یابد.»^{۲۵}

۱. روح ما هنگام خروج از بدن باید در چه حالتی باشد؟

۲. برخی از شبّهات امم چیست؟

۳. روحی که مقدّس از شبّهات امم است، پس از مرگ، در چه حالتی زندگی و حرکت خواهد نمود؟

۴. چه کسانی معاشر چنین روحی خواهند بود؟

۵. آیا چنین روحی خواهد توانست با انبیا و اولیای الهی مکالمه نماید؟

۶. آیا از قبل می دانیم که زندگی زمینی ما چگونه و چه زمان خاتمه خواهد یافت؟

۷. برای حصول به حیات ابدی که برای ما مقدّر شده حالا چه می توانیم انجام دهیم؟

بخش نوزدهم

حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند:

«و چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البته شیء موجود قابل ترقیست. لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرّات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقیست اینست که در مناجاتهای جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کرده‌اند طلب عفو و غفران شده است. و ازین گذشته همچنانکه خلق در این عالم محتاج بحق هستند در آن عالم نیز محتاج هستند همیشه خلق محتاج است و حقّ غنیّ مطلق چه در این عالم و چه در آن عالم»^{۲۶}

چرا باید برای ارواح درگذشتگان دعا کنیم؟

بخش بیستم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«روح انسانی چون از این خاکدان فانی بجهان رحمانی پرواز نماید پرده برافتد و حقایق آشکار گردد
جمع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد ملاحظه نما که انسان در عالم رحم
از گوش کربود و از چشم نابینا و از زبان لال و از جمیع احساسات محروم و چون از آنجهان ظلمانی

باینعالم روشن و نورانی انتقال نمود دیده بینا شد و گوش شنوا گشت و زبان گویا گردید همچنین چون از اینعالم فانی بجهان رحمانی شتابد ولادت روحانی یابد دیده بصیرت باز شود و سمع روح شنوا گردد و جمیع حقائق مجهوله معلوم و آشکار شود.»^{۲۷}

۱. جاهای خالی زیر را پر کنید.

الف. وقتی روح انسانی این عالم را ترک می‌کند

- پرده _____،
- و حقایق _____،
- جمیع امور مجهوله _____،
- و حقایق مستوره _____.

ب. در عالم _____ از گوش _____ بودیم و از چشم _____ و از زبان _____.

ج. وقتی در این عالم متولد شدیم، دیده _____ و گوش _____ و زبان _____.

د. همچنین چون به ملکوت الهی رویم، _____ یابیم.

ه. آنگاه دیده _____ ما _____ و سمع _____ ما _____ و جمیع _____ مجهوله _____ شود.

۲. تعیین کنید آیا گزاره‌های ذیل درست هستند یا خیر:

_____ وقتی در عالم رحم هستیم، از این عالم آگاهی داریم.

_____ حالت ما پس از مرگ حقیقتی است که در این زندگی بر ما پنهان است.

_____ افق‌هایی کاملاً جدید پس از مرگ به روی ما گشوده خواهد شد.

_____ وقتی می‌میریم، به این عالم بازمی‌گردیم تا دوباره متولد شویم.

بخش بیست و یکم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«و اما ما سئلت من الأرواح و اطلّاع بعضها على بعض بعد صعودها فاعلم انّ اهل البهّاء الّذين استقرّوا على السّفينة الحمراء اولئك يعاشرون و يؤانسون و يجالسون و يطیرون و يقصدون و يصعدون كأنّهم نفس واحدة الا أنّهم هم المطلّعون و هم الناظرون و هم العارفون كذلك قضی الأمر من لدن علیم حکیم اهل بها که در سفینه الهیه ساکنند کلّ از احوال یکدیگر مطلع و با هم مأنوس و مصاحب و معاشر این مقام منوط بایقان و اعمال نفوس است نفوسی که در یک درجه واقفند مطلّعون از کمیّات و کیفیّات و درّاج و مقامات یکدیگر و نفوسی که در تحت این نفوس واقفند کما هو حقّه بر مراتب و مقامات نفوس عالیّه از خود اطلّاع نیابند لکلّ نصیب عند ربّک طوبی لنفس توجّه الی الله و استقام فی حبه الی ان طار روحه الی الله الملك المقتدر الغفور الرحیم» ۲۸

مضمون: و اما آنچه سؤال کردی از ارواح و اطلّاع بعضی از آنها درباره دیگران بعد از صعود، پس بدان که اهل بهاء که بر سفینه حمراء مستقر هستند با هم معاشر و مؤانسند و با هم می نشینند و با هم پرواز می کنند و با هم قصد می کنند و با هم صعود می کنند چنان که گویی نفس یگانه ای هستند. به راستی که آنها مطلّعون و ناظرند و می دانند. این چنین حکم شد از جانب خداوند علیم و حکیم... همه نزد پروردگارت نصیبی دارند. خوشا به حال کسی که به خدا توجّه کرد و در محبّت او استقامت نمود تا این که روحش به سوی خداوند ملک مقتدر غفور رحیم پرواز کرد.

۱. آیا در عالم بعد، افرادی را که در این عالم می شناختیم تشخیص خواهیم داد؟ _____
۲. رابطه بین ارواح در عالم بعد چقدر نزدیک خواهد بود؟ _____

۳. تفاوتها و تمایزات میان ارواح در عالم بعد منوط به چه خواهد بود؟ _____

۴. آیا کسی از فیض الهی محروم خواهد بود؟ _____

بخش بیست و دوم

حضرت بهاءالله به ما می فرماید:

«ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید.»^{۲۹}

۱. تعیین کنید کدام یک از موارد زیر درست هستند:

_____ وقتی امور به نحوی که ما می خواهیم نیست باید بسیار دلتنگ گردیم.

_____ هر چه شود چه خوب و چه بد قضای الهی است.

_____ ایام خوش رحمانی در انتظار همه ما است.

_____ مطمئناً عوالمی را خواهیم دید که قدس و روحانی هستند.

_____ برای ما مقدر شده که هم در این زندگی و هم در زندگی بعد از مواهب عالم های قدس روحانی نصیب بریم.

۲. چرا وقتی امور بر خلاف رضای ما واقع شود نباید دلتنگ شویم؟

۳. حضرت بهاءالله در این بیان چه قولی به ما می دهند؟

بخش بیست و سوم

در این واحد، درباره معنای حیات انسان تأمل نموده‌اید. مطالب بسیاری راجع به ماهیت روح، هدف از حیات در این عالم، ضرورت پرورش صفات روحانی، و بشارات زندگانی ابدی مملو از سرور و جلال آموخته‌اید. در واحد دوم این کتاب، درباره یک هدف دوجانبه سخن گفتیم: دنبال کردن رشد روحانی و فکری خود و مشارکت در تحوّل اجتماع. فرصت خوبی است که به آن مفهوم مراجعه کنید و درباره اهمیت رسیدگی به هر دو جنبه این هدف، در پرتو بصیرت‌هایی که درباره ترقی روح کسب کرده‌اید، تفکر نمایید. ممکن است گفتگو درباره موضوعات زیر در گروه‌تان برای تأملات شما مفید باشد.

۱. پرورش صفات روحانی

۲. اطاعت از احکام الهی

۳. مشارکت در رفاه نژاد بشری

۴. پیشرفت در مسیر خدمت

مراجع

۱. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر اروپا)، جلد ۱، ص ۱۴۵.
۲. حضرت ولی امرالله، مندرج در انوار هدایت، ترجمه طا-۱۵۹ب، ص ۴۳۴، با تصرف (ترجمه).
۳. از پیامی منتشر نشده مورخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از افراد احبّاً (ترجمه).
۴. حضرت عبدالبهاء، در مذاکرات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۸۰.
۵. حضرت عبدالبهاء، در مذاکرات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۴.
۶. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر اروپا)، جلد ۱، ص ۱۳۴.
۷. حضرت ولی امرالله، مندرج در انوار هدایت، ترجمه طا-۱۵۹ب، ص ۲۵۴، با تصرف (ترجمه).
۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۸.
۹. حضرت عبدالبهاء، در مذاکرات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۷۱.
۱۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۴.
۱۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۵.
۱۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۲۲.
۱۳. حضرت بهاءالله، کلمات مبارکه مکنونه عربی، شماره ۳۲.
۱۴. خطابات حضرت عبدالبهاء (در سفر آمریکا و کانادا)، جلد ۲، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴.
۱۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۷.
۱۷. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۰.
۱۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۵۰.
۱۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صص ۵۰-۵۱.
۲۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۴۰.
۲۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۶.
۲۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۶۷.
۲۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۸.
۲۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۸۱، ص ۱۰۵.
۲۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۷۱.
۲۶. حضرت عبدالبهاء، در مذاکرات حضرت عبدالبهاء، صص ۱۷۴-۱۷۵.

- ۲۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۱۷۳.
- ۲۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۱۳.
- ۲۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۱.